

انقلاب و آزادی

۲۰ - سال - ۵۰ - سنه

ارگان انجمن آزادی

شماره ۴ زمستان ۱۳۶۰

نگاهی برهستان از دریچه انقلاب ایران :

از انقلاب تا انقلاب !



درآمد کلیه وسایل ارتباطی عمومی قطع، مراکز اصلی تولید سرمایه و انقلاب معادن، صنایع فولاد، بافندگی و بندرگاهها به محاصره سربازان درآمدند. به خانه و اماکن همبستگی (اتحادیه مستقل کارگران برهستان) شیخون زده شد. هزاران نفر بازداشت و روانه زندانها و زندانها یخزده گشتند. فعلا تریبون مبارزین بویژه انقلابیون سوسیالیستی چون یاسین کوران، آدام میچنیک، ژان لیبتینسکی، اوگارول، مازفسکی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و برخی حتی شکنجه شدند. سرمایه داری دولتی لهستان به یکباره در قامت پانزده ژنرال، پنج سرگرد و یک دریا سالار تحت رهبری ژنرال ووچخ یا روزلسکی صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست ظاهر شد و نقشه ضد انقلابی خود را که از ماهها قبل تدارک دیده بود، در یک فرصت استثنایی در تعطیلات آخرفته، زمانیکه کارگران در کارخانهها نبوده و نما بیندگهان سرمایه بران در حال

"نظم در برلین حکمفرماست ای مترسکان احمق! نظم شما بر ما سه بنا شده فردا، انقلاب با ردیگر سراز قفا بیرون کرده و در حالیکه وضعت برانندام شما مستولی است همراه با غرض شیورا اعلام خواهد نمود: بودم، هستم، خواهم بود!"

روزا لوگزا مورگه انقلابی لهستانی، یکروز قبل از شهادت در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹

درنگاه اول ممکن است تا کید بر عنوان از انقلاب تا انقلاب، در پیرواز همبستگی ما با جنبش خارق العاده و تخیلی جلوه کند. چون در واقع امروز جنبش لهستان نیز همانند ایران به زیر زمین رانده شده و صدا انقلاب حلقوم را در چنگال خود گرفته است. اما حقیقت عظیمتر اینست و این چیزی است که ما هرگز نباید فراموش کنیم: در سال ۱۳۵۷ در ایران و ۱۳۵۸ در لهستان چنان انقلابهایی پدید آمد که برای ستی دروازه های جدیدی را هم بروی خار و میانه و هم رویای شرقی گشود و حتی به مشوقی برای همه پیکارگران آزادی در سراسر جهان تبدیل شد.

شیخون ضد انقلاب

در تاریخ یک شب منحوس سیزدهم دسامبر ۱۹۸۱، ضد انقلاب ما نهاد جلی بر سر انقلاب لهستان فرو داد، با اعلام حکومت ژنرالها تحت عنوان "شورا نظامی نجات ملی لهستان بوسیله ارتش خود به اشغال

اعتصاب کارگران ایران ناسیونال، آغازی نوین در جنبش کارگری

اینبار ازیس قطع مزایای خود یعنی خرید محصول تولیدی خود بقیعت تمام شده در قامت یک اعتصاب جمعی تیلوریا فت، هرروزه به اشکال مختلف در مقطع تولید تخریبه ای ایران تا سونال بوسیله فرد فرد کارگران علیه حاکمیت سرمایه بران در حال

روز شنبه ۱۲ آذر در پی صدور یک بخشنامه دولتی مبنی بر خودداری دولت جمهوری اسلامی از پرداخت باجه کارگران، بیست و هشتاد کارگر کارخانه ایران تا سونال معترضان دست از کار رکنیده و تولید را متوقف کردند. مبارزات کارگران که

فقط بخاطر زن بودن ...

من یک زن دیپلمه بیکار هستم که تمام تلاشها را در سر و فعا لیتیم بود ولی همه اش بر باد رفت. برای من این مسئله خیلی دشوار است که به چشم یک "زن بمن نگاه نکنند و اینها تنها زن را ما در میداندند. من نمیتونم و نمیخواهم که این مسئله را قبول کنم. در طرح یا زکشی یا دانشگاه طرح "سختی جنس با رشته مطرح شده و این بدان معنی است که زنها نمیتونن رشته فنی بخوانند و شرط مکتبی بودن را گذاشتن. خوب این بدان معنی است که ما این دانشگاه را رفتن در ایران از بین رفت. نمیدونم چطور حالم را بگم. در ایران هر تحصیل و سختی پیش بیاید اول به سر زنها میخورند. و زنها ستم مضاعف را متحمل میشوند. فقط به دلیل اینکه یک زن هستی هیچ کاری که دلت میخواهد و علاقه داری نمیتونی انجام بدی، و قتیکه بدنی میایی فقط بدلیل جنس توشغل توتعیین میشه. این دیگه چه جور حق انتخاب و آزادی است؟ در ایران همه زنها با پدر و سوزی و چادر به سر هستند. فقط بخاطر اینکه زن هستند. چند روز پیش که رفته بودم

نامه های فلسفی - سیاسی رایا دونا فسکیا

تاریخ: ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

در مورد انقلاب ایران

از انتشارات انجمن آزادی

منتشر شد

بخش: ۱ / ۵ دلار

جلوگیری از خروج محصول و یا موقع تجمع در گوشه و کنار و صرف غذا در غذا خوری کارخانه، بحث همگامی و فعالیت جمعی را جا بگین سلسله مرتب موجود در محیط تولیدی کرده، با آفرینش نهادهای خودگردان یعنی در فعالیت بخشیدن به تمنیات آزادیخواها نه

در این شماره:

- شربتی و فلسفه انقلاب ۴
- لهستان: زنان و انقلاب ۲
- از قلم کارل مارکس ۷
- حرفها و نظرات شما ۶

زنان جهان در مبارزه

زنان الجزایر:

اخیرا در تظاهراتی علیه "قوانین خانواده جدید الجزایر، ۲۰۰۰ زن الجزایری مبارزه خود را با این طرح پیشینها دی دولت اعلام نمودند. این قوانین زنان را همیشه مغفرتلقی نموده، و تعدد زوجات را قانونی کرده و اجازه شوهر و برادر را پیش شرطی برای سفرو اشتغال زن در خانه میداند. (کلیه جزئیات این قوانین هنوز اعلام نگردیده است.) زنان تظاهراتکننده که برای بار دوم تظاهراتی برپا نموده بودند، با تحویل عرضنامه‌ای که علیه این قوانین تنظیم گردیده و بوسیله ده هزار نفر امضاء شده بود، اظهار نمودند که دست از مبارزه برنداشتند و تظاهرات دیگری نیز برپا می‌کنند.

دربارین نیز - همزمان با تظاهرات زنان در الجزایر - ۵۰ زن الجزایری در مقابل سفارت الجزایر به گرد هم آمده تا مخالفت خود را با این قانون حمایت خانواده فاشیستی اعلام کنند.

یکی از زنان شرکتکننده در تظاهرات می‌گفت:

"من احساس میکنم که الجزایر دوباره کولونیزه (مستعمره) شده. مردان الجزایر باید بدانند مستعمره بودن چه احساسی دارد. به نظر من می‌آید آنها فراموش کرده‌اند."

زنان کویت:

روزه ۳۰ زن کویت در مجلس کویت، در حالی که زنان کویتی ساختمان مجلس را احاطه نموده بودند، حق سقط جنین را در شرایط خاصی قانونی اعلام نمود. اما هنگامی که مجلس تماماً مذکور کویت مشغول بحث پیرامون این قانون بود، زنان با تظاهرات خود بر علیه عدم وجود حق رای برای زنان وارد لایحه پیشنهادی حق رای توسط مجلس، اعلام مبارزه نمودند.

زنان کویت تهدید نموده اند که در صورت عدم اکتیاف حق رای تظاهرات وسیعی برپا خواهند نمود. سوال پیش نیز آنست که آیا این تظاهرات سراسری علیه لایحه قانونی که اشتغال در ادارات را برای زنان ممنوع میساخت، مجلس را وادار به لغو این لایحه نمودند.

بقیه از صفحه ۱ فقط بخاطر زن بودن

بنشینند! آنگاه اگر ما در شوق فعالیت خارج از خانه داشته باشیم، پرورش پیدا نمیکنند. خیلی دلم میخواهه اینرا سرلوحه زندگیم قرار دهم: آری آزادی زن بسیار است زندگی آتشکی دیرینه پیراجاست گریه و فحش و فحشه! شاد در هر کجا زبیداست ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست. الان ۳ میلیون دیلمه بیگانه هست که پشت کنگور ایستادن. بی این نیروی ۳ میلیونی چه کارها کند نمیشود کرد. ولی چطور میشه اینها را متحد کرد؟ امیدوارم شیراز

حق طلاق را از آنها گرفتند. یک قانون بود که اگر زنی طلاق میگرفت حق داشت به جای ۷۰ لگسی نگاهداری و بعد به شوهر بدهد که حالا این مدت به ۳ سال رسیده. این دولت هر چه را که تصویب میکند اولین چیزی که در نظر میگردد اینست که چگونه حق زن را بیشتر یا کمتر کند. من یک کار ندیدم که اینها برای زنان کرده باشند. ولی هزاران اجحاف و ظلم دیدم. مهد کودکیها و ایستگاهها داره بهداشتی و بهزیستی را دارا و شاد هیئت شهروندیکر شهرهای ایران دارند میبندند که زنها مجبور باشند توخونه



زنان بمتابه شعور و نیروی انقلاب



لهستان: زنان و انقلاب

اورشلوای لهستان، یک زن مارکسیست لهستانی است که سال ۱۹۶۸ بدنیاال تبلیغات ضد یهود دولت لهستان تبعید شده. او یک فمینیست و از گردانندگان "کمیته همبستگی با همبستگی" شمال کالیفرنیا میباشد. فعالیتهای وی هیچگاه از سایر مبارزات آزادیخواهان جهان جدا نبوده چرا که او ما بل به سهیم نمودن سایر انقلابیون در تجربه جنبش آزادیخواه لهستان میباشد. او همچنین گردآورنده و نویسنده جزوه "مبارزات امروز لهستان برای آزادی" (قابل اکتیاف از انقلاب و آزادی) میباشد.

شده اند. مردم لهستان است که در ۱۸ ماه گذشته سراسر لهستان را در بر گرفته، حکومت لهستان را با اعلام حکومت نظامی و ممنوع کردن همبستگی، در تلاش سرد کردن جنبش توده ای است.

شده اند. مرحله ضد انقلابی کنونی که شاملینش زنها را لیا روزگاری و ارتش لهستان میباشد، به عریانی نشان میدهد که در هر مبارزه از دیوانه‌ها، دشمن اصلی همواره در خانه است.



شرکت زنان در همبستگی روشنگر تمامیت جنبش، تعمیق آن در تمام جنبش در دستهای بی تمام مردم جهت حصول به "انقلابی" است. شرکت زنان در عین حال نمایانگر تمامیت درون جنبش است که قبیل از اینکه انقلاب بتواند کمال بردنیا زمند مقابله

اما مقاومت ادا شده دارد: اعلامیه‌های اعتراضی در همه جا ظاهر شده و حداقل یکی از آنها در ورسوفا خوانش "تمام قدرت بدست کمیته مرکزی اکتیاف" بود. رهبر همبستگی در ورسوفا، زبیبگیو بورژواک دستگیر نشده و قتل آن مبلغ مقاومت است. آلینا پینکوفسکا

سهم سه‌گانه زنان و مبارزه هم‌زمان با آن

دوستان عزیز: نمیدانم از جاکجا شروع کنم؟ از روابط انسانیت که همیشه به آن تکیه میکنند و بنظر من خیلی کم‌بافت میشود. سال گذشته وقتی ایران بودم یکی از رفقای عزیز را دیدم که نشان داده همیشه حرفهای خوب و منطقی میزنند، از انسانیت، از آزادی زن و مرد، از آزاده بودن، از دوست داشتن و از تمام چیزهایی که در گذشته خیلی زیباست و در نوشته‌ها آنرا تحسین میکنی، ولی در عمل فرق میکنند. وقتی این تغییر جهت را در عمل و گفتار آزادی با صلا ج روشنگر، حاصل کرده، مارکسیست، آزاده، مبارز و خلاصه کسی که آزادی و انسانیت دم میرنه نشاءه میکنی، نمیتونم که چه احساسی تودستی میده. و وقتی مبنی رفتار یکیه و حتی با دوست دخترش دارد جز برده یا یک زن که شعورش با نداشتن صف مردان است میماند چه حالی پیدا میکنی؟ اگر تمام اینها در تظاهرات شرکت کردند

میخواهند سندی به مردها نشان گوش فرادهند، مرکز تجمعات تظاهرات با عظمتی برپا نمیشد. من با شاعری که میگویی "آری آزادی زندگی زیباست" اسلاموافق نیستم و هرگز نتوانستم آنرا درک کنم. چگونه میتوانم در حالیکه فقط در سال گذشته ۵ میلیون بچه زگرستی مردند، در حالیکه هر روزه صدها انسان بر اثر جنگ از بین میروند، در حالیکه تنها در فرانسه سال گذشته ۱۲ هزار نفر خودکشی کردند، در حالیکه در کشورهای مختلف دنیا مبارزات زنان و آزادگان را سرکوب و وحشیانه اعدام و شکنجه بزرگ مغفول بیاد کرده‌اند نقشه بمب اتم هسته‌ای بکار رفته چند هزار انسان را از بین خواهد برد. ... بگویم آری آزادی زندگی زیباست؟

میرا بر حال سعی میکنم با کسی همگام باشم که تکریم کند آزادی یعنی چه، آزادی یعنی چه، آزادی یعنی چه، و آزادی شروع میکنم به مبارزه بر علیه زور و ستم،

زن از دیدگاه مارکس و نهضت آزادی زنان امروز

مجله شماره ۱۷ (۱۷ آبان) ۱۳۶۰، انتشارات نشر




تخمین آزادی زن

در شماره آینده: مارکس و جنبش آزادی زن

جوانان: نیروی انقلابی در ایران و جهان

لهستان و ایران: مقاومت جوانان تحت شرایط ضد انقلابی کنونی

روزیکشنبه ۳۱ آذرماه، شهرکدانسک یکماه ونیم بعد از اعلام حکومت نظامی در لهستان، شاهدیک خیزش گسترده دانشجویی در اعتراض به حکومت نظامی و افزایش مصرفی بود. در این خیزش که با یورش بلافاصله نیروها و موبیل‌ها گردید، سرباطق گزارشهای رسمی ۱۶ نفرزخمی و ۲۰۰ نفر دستگیر گردیدند. مقاومت جوانان تحت شرایط ضد انقلابی کنونی لهستان، برای جوانان ایران بسیار مملوس و قابل فهم است. چرا که ما نیز در حال مبارزه با ضد انقلاب حاکم که توسط نیروهای مسلح در عمل اعلام حکومت نظامی کرده، میباشیم.

در ایران پس از انقلاب بهمن ۵۷ و در لهستان هنوز انقلاب پیروز نشده ضد انقلاب در تثبیت حاکمیت خود کوشیده است. ما جوانان که سهم بسزایی در آفرینش انقلاب داشته ایم امروز در برتاریا نهضت انقلابی که میخواستیم، انقلاب بمان راه جنگ خود گرفته و دست آوردهای را خرد کنند. رهبری این ضد انقلاب که ۲۸ سال از عمرش میگذرد با افکار فرط و ارتجاعی خود برای جوانان تعیین تکلیف مینماید.

بهنگام انقلاب، دانشجویان و دانش آموزان با تشکیل شوراهای خودگردان

خواستار خودمختیاری در محیط تحصیل و اخراج گاردا ز دانشگاهها شدند. اما چیزی از انقلاب نمیگذرد رژیم اسلامی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" دستور بستن دانشگاهها را صادر کرده و دانشجویان را به گلوله بست. در لهستان نیز دانشجویان شوراهای خودگردان خود را تشکیل داده و با حفظ خودمختیاری به بلافاصله بعد از اعلام حکومت نظامی دانشگاهها را زخمه اولین مراکز بودند که مورد یورش نیروهای نظامی قرار گرفتند.

امروز که رژیم اسلامی از مبارزات گسترده دانشجویی از یکطرف و از طرف دیگر قصد بازگشایی محدود، مشروط و مکتبی دانشگاهها را دارد، "تطهیر" ایدئولوژیک "راشترپ" پذیرش دانشجو قرار داده است.

دولت نظامی لهستان نیز به تصفیه و "تطهیر" ایدئولوژیک دانشجو قرار داده است. از پس هر زد و خورد با اعتصاب در محیط مدارس، فدرای آن روز مسئولین مدرسه والدین دانش آموزان را به مدرسه فرا میخوانند. آنان بدرستی میداند که جوانان به هیچ طریق از سر همگاری با ایشان در نیامده نتیجه دست به گریبان والدین شده با تبدیل شدن آنان از قاصداوند تپانوش انقلاب را خاموش کنند. تداوم مبارزه دانش آموزان

از پس نما یحیا زدارنده والدین بیانگریستند همگانی. مبارزات ایشان هم علیه توریتنه والدین و هم علیه سیستم آموزشی کنونی است. جوانان لهستان نیز در مبارزات خود چند جا نبه بودن مبارزات خود تا گریستند و ورزیده اند.

زوانا "کیک دانشجوی لهستانی و عضو NZS (اتحادیه خودمختیار دانشجویان لهستان) میباشد، در این باره

لهستان گسترش یافت تشابه عمل انقلابی جوانان ایران و لهستان جهت آفرینش جامعه علمی از هرگونه سهم خاصا ستم پدرا لاری بیانگری جها نی بودن مبارزات آنها از یک سو و هم سر نوشتی جوانان از دگر سودا رد، از این رو تجارب بدست آمده از مبارزات آنها برای جوانان هر دو کشور ارزنده و حیاتی است. ما جوانان ایرانی به همراه دیگر نیروهای انقلاب با فعالیت توده ای پیگیر خود انقلاب ۵۷ را فریادم ما شاهد شرکت روحانیت



در انقلاب و برگشت نشان علیه دستاوردهای انقلابیمان از پس انقلاب بوده ایم. روحانیتی که قبل از بهمن مبارک "دانشجویان عزیز" خطاب میکردن و بیاد از دی برای همگان را میداد، امروز بعد از گذشت سه سال، همان روحانیت با سرب داغ سعی در خفه کردن فریاد آزادی ما را دارد. ما شاهد ظهور ضد انقلاب از درون انقلاب بوده ایم. جوانان

میگوید: "سال خوردگان از ما میخواهند که هر آنچه حاکمین میکنند را مورد تأیید قرار دهیم. ولی زندگی برای ما سخت است".

اتحادیه خودمختیار دانشجویان لهستان (NZS) در سال ۱۹۸۱ به وجود آمد و تقریباً با حمایت تمام دانشجویان روبرو گشت. اعتماد و تظاهرات دانشجویان در شهر "زادام" شروع شد و به سرعت در سراسر

لهستانی خصوصاً جوانان زن از هم اکنون با هدف مخالفت ضمنی و آشکار کلیسا با تمام اهداف خود و خواست کلیسای کاتولیک مبنی بر احیای قوی ترنظام پدرا لاری هستند و در همین حال از تجارب عملکرد روحانیت از پس انقلاب در ایران برخوردارند. خواست ما جوانان دگرگونی کامل روابط کهنه و آفرینش روابطی نوین میباشد یعنی همان اصلی که کلیسای کاتولیک در هم سوئی با آن بهر نمیبرد. اجازه دهید فراموش نکنیم که ضد انقلاب حاکم در لهستان، "یا روز لکی" و حکومت نظامی است. این درست است که ضد انقلاب نظامی در لهستان مانند دولت مردان رژیم اسلامی درنا بودی کامل دستاوردهای مبارزاتی ما جوانان را دارد، ولی در مقابل ما نیز در حین مبارزه و انکشاف خود، روشهای جدید مبارزاتی را فرآ گرفته ایم. ما نیز تجربه سالها مبارزه زیرزمینی را علیه رژیم شاه از یاد نبرده ایم و آن را علیه شرایط حقیقی موجود بکار میزنیم. ممکن است که جماعت حزب الله ویا مسلسل سربازان لهستانی ما را مجبور به زیرزمینی کردن مبارزاتمان کند، ولی آیا اسلحه قادر است ایده آزادی مستزدم ما را نشانتیگرند؟ هرگز. مبارزه ادامه دارد. □

نا مقاوم ترین آدمهای ترسو، بمخض اینکه قادر به اعمال توریته مطلق والدینی خود نمیکردند، سنگدل میشوند، گوئی سوءاستفاده از این توریته بمنزله تلافی خاتم تمام فرما نبریهها و وابستگی ها نیست که آنها در جامعه بورژوازی خواهند خواهد بدان گردن مینهند.

کارل مارکس ۱۸۴۵

می گویند: "تو هیچی نمیدانی..."

مطلب زیر گزیده ای از نامه یک جوان رده ساله است که ما دریا فست داشته ایم.

جوانان عزیز و مبارزان من فکرمیکنم در این زمانیکه خمینی جلاصدها جوانان را با گلوله بشهادت میرساند، جوانان بیشتر آگاه شده اند، منظور ما این است که کمتر مبارزه احساسی است. من هم یک جوان هستم و یکی از شکالات ما در خانه است. برای اینکه پدر ما در هر چیزی که میکنم فکر میکنند درست است و هر چیزی که ما بگیم، میگویند: "تو هیچی نمیدانی، و بیخود حرف میزنی، اما این حرف غلط است ما هم چیزی میدانی و می توانی حرف بیزی. دلیلی نیست که اگر کسی گنده تر و همیشه حرفهایش درست باشد.

اگر پدر ما در تان اجازه میدانی که بگویی، از این موضوع دست بردار، چون

و با جوانان دیگر تماس بگیرد و از آنها کتاب و روزنامه بگیرد و اگر میترسند پدر ما در تان این کتابها را بپایند، آنها را پس بدهید و بیاید در پیندا زین.

جوانان عزیز، امید من این بود که زودتر بر ما نگاه برای اینکه زودتر میتوانم حرکت در تظاهرات کنم. اما فکر میکنم ما باید کتاب بخوانیم و معلومات خود را با لایبریم و منتظر نباشیم که بریم به نگاه اگر معلومات خود ما را لا نبریم دوباره بیدار و چیزهای دیگر از آمریکا و روس خرید و دوباره به تور اینها بگیریم، اگر تنها بگین پدر ما در ما اجازه نمیدان که کتاب مترقی بخوانیم یا این خودتان را کلاه گذاشته اید. جوانان خجالت نکشین که سوال

کنید. اگر جواب را بدست نیاوردین این سوالات را نیندازین. اگر پدر ما در تان میگویند جواب این سوالها را نمیشه بدست آورد و نمیشه فهمید، این اشتباه است. این چیزی است که میریالیت ها در ذهن آنان گذاشته اند که کسی دنبال جوابها نره چیز دیگره ای که جوانان خود را با بیخودایی گروهی نکنند تا معلومات سیاسی خودتان خیلی بالا برفته، بیخود گرامی غلط دارد. اما ترسیم که اگر پدر ما در کمک بخوایم میگویند یا بیگانه ها کار میزنند یا بیگانه ها غیر مفید. من فکر میکنم این کارها خیلی مفید.

ایک جوان مبارز
ش - یا

بعدگیری مبارزات جوانان در سودان

در روز ۶ آذرماه، هزاران دانشجوی دانشگاه خارتوم، پایتخت سودان، و چند شهر دیگر، در اعتراض به ۳۵٪ افزایش قیمت نفت و ۲۰٪ شکروسا بیگانه لاهی مصرفی، کمبود مواد غذایی و رشد روزافزون بیکاری، دست به تظاهرات گسترده ای زدند که منجر به درگیری با خودروهای نظامی و ما موران پلیس امنیتی شده و ۸ کشته جای گذاشت.

دولت نظامی جعفر نومیبری که از پس کودتای ۱۹۶۹ بر سر کار آمده و از کودتای سال ۷۲ جان سالم بدر برده رژیم سرکوبگر تک حزبی است که با مشکلات شدید اقتصادی روبروست. این کشور تنها در سال گذشته ۱۵۰ میلیون دلار وام اضطراری از صندوق بین المللی پول دریافت نموده. این امر مخالفت آشکار دانشجویان را برانگیخته بود و دستور داده آنها در جریان تظاهرات با شعار "ما زیر حاکمیت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نمیرویم"، علیه امپریالیسم آمریکا، حاکم رژیم نومیبری، نیز دست به اعتراض زدند.

جعفر نومیبری در پی جنبش اعتراضی خیر، از معاون اول خود عمداً لمحیدخلیل که در عین حال وزیر دفاع نیز میباشد، بدلیل ناتوانی در کنترل اغتشاشات اخیر خلغ مسئولیت نموده و به کار کمیته مرکب از اعضای اجرائی خویش نیز پایان داده، و دانشگاه را تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام نمود.

جوانان در تظاهرات خود برای آفرینش یک جامعه نوین تنها نیستند. آنها در جنوب که تقریباً یک سوم جمعیت را تشکیل میدهد، سالهاست که برای حقوق تعیین سرویست جنگیده اند. کارگران سودانی که اوضاع اقتصادی مستقیماً متوجه آنهاست نیز در ژوئن سال گذشته دست به اعتصاب گسترده زدند که با سرکوب و ترور پلیسی رژیم نومیبری روبرو شد. آنچه دولت نظامی کنونی تهدید میکند، بیونسد مبارزات جوانان با چنان نیروهای است

ف - آزادی

علی شریعتی و فلسفه انقلاب؛ آیا شریعتی ادامه دهنده راه قانون بود؟

علی شریعتی را باید بگونه‌ای دنباله‌رو نهضتی دانست که با جمال الدین افغانی آغاز گشت اما اگر افغانی که تا مدت‌ها شهرت غیر مذهبی بودن داشت در واقع نهضت تحریک تنبلی‌گوار پوشش سنت‌های مذهبی برای مبارزه با امپریالیسم انگلیسی است. استفاده از مذهب تنها «وسیله‌ای» برای مبارزه با استعمار بود در عرض چند سال گذشته شاهدان ندیدیم که اسلام نه تنها «وسیله» مبارزه بلکه بمنزله «هدف نهایی» آن شد. این سیر تحولی اسلام از یک اسلحه مبارزاتی به یک فلسفه انقلابی که در آن شریعتی نقش بسزایی داشت را نمیتوان تنها با اشاره به احساسات مذهبی مردم و نیز پیش مساجد مبارزه با رژیم‌های پادشاهی یا سخن گفتن از نهم‌درا بر آن که در حبس بود در آن مصدق‌شده روی کار آمدن انبیا و احزاب و سازمان‌های کارگری ملی و سیاسی گشت که در بسیاری موارد ما هیت غیر مذهبی داشتند. جواب با این مسئله در عصر ما را باید از سوی دانشمندان سیستم‌های اجتماعی موجود در جهان - سرمایه‌داری و کمونیسم در مبارزه با بیشمار مصائب جهان و از سوی دیگر در ظهور آگاهی جهان سوم که مردم آفریقا و آسیا را به زنگشت به ریشه‌های خود پیاپی ساختند است. به مسائلی که در ادامه خواهیم دید.

علی شریعتی در محبوسه خفقان رژیم شاه با باطنی از اسلام در مبارزه با استعمار آگاه بود که آنچه زنگ انقلابیونی چون فرانس فانون برای انقلاب الجزایر و نهضت آگاهی‌ها در آنجا انجام داده بودند برای ایران با بهره‌ریزی کند. اما برای پاسخگویی با این سوال که آیا هر دوی این نهضت‌ها یک مفهوم بوده و در پیرویه مبارزه بیک مسیر یعنی ایجاد جامعه نوین انسانی با معیارهای یکسانی متفاوت از جامعه قبلی منجر میشود یا به نتایج گوناگونی به نظر می‌آید علی شریعتی بیاندا زیم.

شریعتی و جامعه نوین

در جامعه ایده‌آل شریعتی که بدینال هدف دستیابی به توحید و تحت رهبری صحیح وحدت یافته منظور از توحید تنها یکنا بودن نیست بلکه اعتقاد به وحدت جهانی ماده و روح و نیز اشاره‌ای است به جهان بی‌طبقه که در مقابل با دنیای شرک با دنیای اختلافات طبقاتی و مالکیت فردی قرار گرفته و لذا برای انسان حقیقی مبارزات و در این جهان برای استقرار عدل و انصاف اجتماعی و ایجاد جامعه بی‌طبقه مؤید است. نیکی‌های وی در این جهان و نیز جهان آخرت میباشد. در مقابل شیعه موعی - یا

شیعه خدمتگزار است و روحانیت سنتی که انسان را موجودی بی مسئولیت در مقابل ظلم حاکم وقت میدانند علی شریعتی از شیعه علوی صحبت میکنند که انسانها را مسئولها و سرنوشتشان دانسته و با راهنمایی از روحانیت مسئول و مبارز در پیرویه مبارزه با ظلم در این جهان، راه را برای ظهور امام غایب و ایجاد جامعه توحیدی بی طبقه اسلامی میباید. در این میان نقش روشنفکر و روحانی مسئول در افکار شریعتی اهمیت بسزایی دارد چه بنظری «ظلم ممکن است هزاران سال ادامه داشته باشد» آنگاه منجر به نهضتی شود. حال آنکه ظهور رهبری که به مردم آگاهی میدهد منجر به کشیدن «شمشیر» و به مبارزه برخاستن مردم محروم میگردد و در این راه شهادت یکی از مهم‌ترین سنت‌های فرهنگی اسلام «بشمار می‌آید».

روش شریعتی برای ساختن اسلام نوین نگریستن به تاریخ اسلام، گزینش چنین رهبرانی و مشخص ساختن خدماتشان به اجتماع است و بجز علی که شریعتی او را برجسته‌ترین مسلمان میشناسد ولی غالباً به اقبال، جمال الدین افغانی و ابودرغفاری که به پدرو سوسیالیسم اسلامی معروف است اشاره میکند.

برای خانوادگی کم‌بضاعت و متدین ایرانی که از سوی غیر غم‌درآمد سرشار رفعت و ثروت مملکت با تورم و مضیق دست و پانگریبان بود و از سوی دیگر با آگاهی و نفرت به غرب گراهی حکومت پهلوی و مظاهر آن همچون رواج الکحل و مواد مخدر و خصوصاً تغییر روابط سنتی بین زن و مرد و دنسیل پیرو جوان مینگریست شریعتی او را فکاش نورانی میدید به دل میانداخت. از سوی دشمنی چندین ساله وی با رژیم و سابقه زندان افتادش نشاندهنده آن بود که این را درمورد جذب شدن بدین سیستم تا رنکبوتی پهلوی ایاداشته و برای تغییر آن مبارزه میکرد و از سوی دیگر این ادیب و سخنران تحمیل‌گردها را با درجه دکترا از سوربن در عین آشنای کردنش با با بنیان‌های فکری نهضت‌های اروپایی و افرادی چون ژان پل سارتر چه گوارا و فانون، لوتسلی مسینون و حتی کارل مارکس از تجویز سخن میگفت که مسلمانان مدین همیشه در تنگنای اعتقاد داشت - اسلام ما رز.

میستقیم که این اسلام شریعتی که زنده کردن آگاهی مذهبی درمدا ایجاد عدالت است و اسلام حتمی که زنده کردن محارفات اسلامی تنها هدف مبارز در پیرویه راهی خلق مردمی را در دفاصله

بسیاری است. اما در مقابل رفتار پرستش گونه شریعتی نسبت به روشنفکران انقلابی، فرانس فانون سخت‌ترین تیرهنمایی است. انتقال خود را بسوی رهبران آتی انقلابهای آفریقا نشانده گهبری میکند و در عین اینکه هدف خراب کردن جامعه استعماری را دنبال میکند هشیارانه در جستجوی نیرو و نهضت انقلابی است که قادر به تداوم انقلاب بوده و راهی به سوی اجتماع نوین جستجو کند.

هومانیم نوین فانون

پا اسلام نوین شریعتی؟

شریعتی و فانون هر دو در مبارزه با استعمار از اهمیت نقش فرهنگ و آگاهی ملی در مبارزه انقلابی واقفند. اما فانون حاضر به جداساختن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای ایجاد آنچه «انسان نوین» میخوانند نیست. برای او هدف مبارزه با بورژوازی ملی و همبستگی بین‌المللی برای زبیدن بر استعمار انسان‌پر انسان از طریق ابزار کار اجاب میکند که انقلاب اجتماعی‌ای خواهد بود که در گذشته‌ها و خصوصاً مذهب جستجو کنند و اشاره میکند «تا ریح‌مان نشان میدهد که مبارزه بر علیه استعمار زرد سیرنا سیرنا حرکت نمیکند. آگاهی ملی که انسان را از استعمار نجات میدهد است که به مبارزات ما بعد از جنگ جهانی خواهد داد. برای اروپا برای خودمان و برای انسانیت فکری جدیدی است زبوسی در بر پان نمودن انسان جدیدی نمائیم».

ولی شریعتی به جهان از روز به روز بر علیه شرق مینگرد. و با زنگشت به سنن خود با این صورت تعبیر میشود که شرق باید پیرویه را که در قرن وسطی بود اروپا با فورم مذکور (پرولتاریا) آغاز شده در خا و زمین‌ها را با اسلام پیاده کند. پیرویه‌ای که میباید همزمان با بازسازی هر چه سیستم را حل اقتصاد که از زمان انقلاب صنعتی در اروپا آغاز شده دنبال شود. این پیرویه یعنی برگشت به سنن فرهنگی و فورم تدریجی آن همراه با استفاده از هر چه بیشتر از تکنولوژی غربی بنظر شریعتی در زاین به بهترین صورت نمایان میشود که از لحاظ تکنولوژی در صدر بسیاری کشورهای غربی قرار گرفته و آماده پیرویه‌ای از هر تکنیک نوین غربی است. اما فرهنگ سنتی‌ترین را حفظ کرده که بهترین مثال آن بنظر وی در نحوه لباس پوشیدن زن زاپنی، بایبند آداب و سنن بودن وی و عدم تقلید وی از زنان اروپایی نمایان میشود. اما فانون صحبت از جا بگزین کردن بورژوازی خارجی با بورژوازی ملی نمیکند. او از انقلابهای

نا تما می‌در کشورهای در حال توسعه صحبت میکنند که در آن بورژوازی ملی جا بگزین خاریان شده و در تحت لوای رهبران انقلابیست یک حزبی به غارت دارائی کشور نوینیا دمشغول میشود. بنظری تصور تقلید از غرب و بوجود آوردن طبقه بورژوازی ملی با این خیال که بر شمسد مملکت و ایجاد دموکراسی و قوی شدن آگاهی اتحادیه‌های کارگری خواهد انجا میدک: «مرحله بکلی بی‌ارزش در جهان سوم محسوب میشود. چه عدم امکان رفاقت در بازار جهانی و وجود بورژوازی نوین که با برگردن جای خالی استعمارگران خارجی بعنوان دلال آنان در منطقه در میاید هر گونه تصویری که این نظام نهایتاً به دموکراسی خواهد انجا میدار نقش بر آب میسازد. برای فانون تنها شانس موفقیت انقلابی جهان سوم جداساختن مبارزه ضد امپریالیسم از مبارزه با روابین سرمایه‌داری در درون این کشورها و ایجاد همبستگی بین‌المللی طبقاتی میباشد. غ.

ویک چنین پیرویه‌ای بدون استفاده از تجربیات متفکرین اروپایی خصوصاً مارکس و نیز تجربیات انقلابی نیمه تمام و یا به ضد خود بدل گشته. رن گذشته نمیتواند امکان پذیر باشد.

در حقیقت در رودر روی با فلسفه مارکس است که اصول فکری شریعتی روشنتر میگردد. اگر مارکسیسم ما رکن تنها به تشخیص تضادهای اقتصادی جامعه و نهایتاً هدف ملی کردن وسایل تولیدی خلاصه میشد با بد تعبیر آنانی که او را مارکسیستی در جامعه مذهبی میدانستند قابل قبول میبود. اما واقعیت آنست که ما رکنس بدان گونه که ما رکنس از آن صحبت میکرد از روش تشخیص پیرویه و چگونگی سر بر آوردن تضادهای اجتماعی تشخیص نیروهای بود که قادر به انجام این دگرگونی‌ها شدند و از سوی دیگر در صد دستیابی به جامعه نوین بود که در آن به استعمار انسان بر انسان توسط ماشین و جادوی کافر فکری و بدیبا با نده شده و نیز عاری از هر نوع تبعیض طبقاتی/جنسی/ملی/مذهبی باشد.

شریعتی در رودر روی با فلسفه مارکس و پیرویه استفا ده زبسیاری از مفاصله از منجمله هدف جامعه

بی‌طبقه، در نحوه رسیدن به این هدف با ما رکنس مخالفت داشته و بنیان فلسفه ما رکنس یعنی ما تریا لیمس دیا لکتیک را بدو گم کرده و با هر یک جدا گم میبندد. اینجا است که شریعتی با سانی آنچه را که خود ما رکنس «ما تریا لیمس» متذلل «خوانده بود» یعنی اینکه ظهور جامعه نوین تاریخی با بسد منتظر کمال دنیا بی‌ماده یا بعبارتی تنها پیشرفت علم و تکنولوژی شوند. یازد میکند. در عین حال و به انتقاد از احزاب کمونیست منجمله حزب توده میبیرد از دکاه از سوئی در رودر روی با نهضت‌های ملی همچون الجزایر و ایران (زمان مصدق) با سردی با آنها مواجه شدند. او از سوی بدست به ترجمه آثار از رزمندی همچون کتاب کاپیتال مارکس زدند. او ولی این انتقاد از احزاب کمونیست مفهوم بریدن اصول مارکسیسم مبتذل و با رجعت به ما رکنس نمیشد.

بجای سیستم یک حزبی کمونیسم، شریعتی پیرویه را زهری یک حزبی مذهبی را پیشنهاد میکند و بدینگاه او از اجتماع نوین، بجای آنکه جامعه‌ای از زهر نوع تعیض طبقاتی/جنسی/ملی/مذهبی باشد، اجتماعی است که در آن تنها مالکیت خصوصی و اسل تولیدی وجود داشته باشد. از سوی دیگر اعتقاد بی چون و چرا وی به نقش رهبران انقلابی در ایجاد جنبش و نیز عدم اعتقاد به درک و فهم توده‌ها - خود انگیزگی، خود سازمان دهی آنان در پیرویه مبارزات انقلابی است که میگوید، اصل «دیا لکتیک» یعنی پیشرفت اجتماع و تفکر از طریق غلبه آنسها بر تضادهای که در مبارزه آزاد دیشان وجود دارد - «حرکتی ندارد».

این برداشت نیز بی‌شاهت به برخورد احزاب کمونیست در رودر روی با دیا لکتیک ما رکنس در زمان استالین نمیشد. هراس آنان از سر برداشتن جنبش‌های گونه‌گون ملیتیست تحت سلطه شان تا بحدی بود که دعوا کردند با استقرای سیستم یک حزبی «سوسیالیسم» دیگر هیچ تضاد دیا قبی نمانده و بعضی دیا لکتیک

فرم اشتراك

نام.....

آدرس.....

شماره ۳ دلار (۲۰ ریال)

شماره ۶ دلار (۲۴۰ ریال)

بعلاوه مخارج پستی

E&A
P.O. BOX 07170A
Detroit, Mich. 48207 USA

آفتابهای جهان در مبارزه

نظارات

سیاهان آمریکا

در روز تولد لوتر کینگ



یکسال پیش در ماه ژانویه، جنبش تبدیل تولد لوتر کینگ به روز تعطیل عمومی یک چرخش مهم کرد. در همان ماهی که رونا لدریگان رئیس جمهور گردید، بیش از ۲۵۰۰۰۰ تظاهرات در واشنگتن راهپیمایی کرده و آشکار نمودند که تعطیلی کینگ بخاطر خاکمین نیست.

در همان ماهی که در واشنگتن راهپیمایی مسال سرآوردید، در همان هفته ای انجام گرفت که دولت ریگان مدارس مسیحی تمام سفیدی که "بخاطر دلایل مذهبی" علیه سیاهان تبعیض قایل هستند را از پرداخت مالیات معاف کرد.

در این روز در واشنگتن، در هوای زیر صفر مستانی، بیش از ۱۵۰۰۰ نفر راهپیمایی کردند. فضای اعتراض در لوس آنجلس با اعلامیه داستانی آن شهر مبنی بر اینکه هیچ یک از پلیسهای اداره پلیس نژادپرست سیگنال هیل بخاطر قتل ران سلتز مورد تجاوز قرار نمیگیرند، براتر شد. برای ۳۰۰۰ نفری که در تظاهرات دانشگاه کالیفرنیا شرکت کرده بودند، تولد کینگ روز اعلام جرم علیه نژادپرستی آمریکا بود.

یک زن سیاه علت جشن گرفتن تولد کینگ در مراسم بزرگداشتی که در همان روز در پیما رستا نکیس برگزار شده و بیش از ۲۰۰۰ نفر در آن شرکت داشتند را چنین توصیف میکند: این گروه آبی تمام آن اعظان و سیاستمداران سیاه که در مورد کینگ فقط حرف میزنند و هیچ کاری جهت تحقق آن اهداف نمیکند را بزرگ سوال برد.

فراخوان تبدیل تولد کینگ به یک تعطیل عمومی، همانند جنبشی که وی رهبری میکند، از دست رهبران و زانهای قانوتگذار سیاهان را خارج و بخاطر آنها کشیده شده است. این تظاهرات شایسته این روز است. چرا که این جنبش حقوقی مدنی بود که کینگ و تیل تونی از انقلابیون آمریکا قیام را متولد ساخت. در ۱۹۸۰ تا بدست آمدن تولد دوباره ای باشد.

در شماره آینده:

مبارزات کردها؛ مسئله ملی؛ محک تاریخی انقلاب اجتماعی

۱۹۱۷ تا امروز

تئوری انقلابی فرانس فانون در انقلاب الجزایر بیان خود را در آنچه که او آن را یک "هوما نیسم نوین" نامید یافت. برای او نیسمرد انقلابی هرگز جدا از نبرد ایدئولوژیک نیست. نقد بر چرخه رهبران و رابطه آنان با توده ها با شد، چه "ملکه های آکا هی ملی" و چه برجسته کردن دیالکتیک، انقلابات آفریقا و آسیا بعنوان "هوما نیسم"، در برابر آنان که سعی در پوشاندن تئوری انقلابی فانون در حالی دارند احساس کردیم احتیاج به این راهیم که بگذارد ریم خوانندگانمان از خود قافانوشنوند. (همچنین رجوع کنید به صفحه در مورد رابطه علی شریعتی با فانون.)

فرانس فانون، تئوریسین انقلابی

"آفریقا از طریق توسعه مکانیکی نیروهای مادی آزاد نخواهد شد، بلکه این دست آفریقا نوی مغز او خواهد بود که دنیا را لیکتیک رها یی با قاره را با حرکت در آورده و اعمال خواهد کرد... در شرایطی که الجزیره به آتش و شمشیر کشیده میشود، آفریقا قیامها را بدینا طردا شته با شنده که چیزی چون یک خوش بینی آتش کتیو که کم و بیش بطور مکانیکی غیر قابل حذف باشد وجود ندارد. ولی خوش بینی با پیدا حساسی با شده که مسئولیت انقلابی و مناره را همراهی میکند. در تحت چنین شرایطی، بله، ما میتوانیم خوشبین باشیم."

"تا ریخ بوضوح نشان میدهد که نبرد علیه استعمار مستقیم در کناره خطوط ناسیونالیسم بجلو نمیرود. آگاهی ملی ای که ناسیونالیسم نیست، تنها چیزی نیست که ما یک بُعد بین المللی میدهد... مبارزه فراخواندن استعمارگران توسط بومیان، مقلایه و برخورد منطقی نقطه نظری متفاوت نیست، این مبارزه نوشتن معنی در باره جامعه نیست، بلکه تا قیام تا تنظیم ایده ای صلیبی است که بمثابه یک مطلق بجلوگذاشته شده... برای اروپا، برای خود ما و برای بشریت... ما باید میفهمیم جدیدی را بعمل آورده و سعی کنیم انسان جدید را برپا کنیم."

"وقتی که آینه بدنه بعقب نگاه کند، قرن بیستم بعنوان عصر کشفیات اتمی و جستجوهای فضا یی بیاد آورده نخواهد شد. بدون شک دومین قیام این دوران بتصرف زمین توسط مردم ناسیونالیست که زمینها به آنها تعلق دارد، احزابی که رهبری مبارزه علیه ستعمارگران را در دست دارند، در یکی از مراحل نبرد بدلیل عملی، تصمیم به قبول فقط بخشی از استقلال میگیرند. در حالیکه اعتقاد را سخندارند که مردم را در چهار چوب یک استراتژی بنیادی برای اخراج کامل (استعمارگران) از تمام مناطق و تصرف کامل تمام منابع ملی برخواهند انگیزت. این سبک که در یکسری مواقع صورت گرفته امروز خوبی شناخته شده است. از طرف دیگر دیالکتیک کلامتقا بلوی وجود دارد که بتنظر میسریدیا نتوجه کافی نشده... امروز یک هوما نیسم نوین، یک تئوری انسان در حال بوجود آمدن است که ریشه اش را در انسان دارد. به این خاطر است که مردم مستعمرات با بدشوور و هوشیاری خود را در چندان میکنند. یک هوما نیسم نوین فقط با چنین بهایی بدست خواهد آمد."

"سپر رهبری انسان، مستقل از شرایط کنکرتی که او خود را در آن مییابد، شامل و مربوط به تمام بشریت است. مبارزه برای حیثیت ملی معنای واقعی خود را در مبارزه برای نان و حیثیت اجتماعی مییابد. این رابطه درونی، یکی از ریشه های همبستگی عظیمی است که (ملت) ستهمیده را به توده های استعمار رسیده کشورهای استعماری وحدت میدهد."

نامه یک کرد

مبارزه خلق کرد برای آزادی، سوسیالیسم و خودمختاری

نامه زیر از طرف یک کرد برای انقلاب و آزادی نوشته شده.

در دبرشما ای مبارزه برای سعادت ملت قهرمان ایران و طبقه کارگر مبارزه مقدسی بر علیه دولت استرجاعی و فاشیستی خمینی، وابسته به سرمایه داری شروع کرده ای. من یک کردهستم خیلی خوشحال شدم که نیروی مبارزی مثل شما از خلق کرد را در جنبش آزادیبخش کردستان دفاع میکند. مبارزات قهرمانانه خلق کرد در دهمنه بخشهای کردستان عادلانه است و وظیفه همه کومونیستهاست که از هر لحاظ به این جنبش انقلابی یاری دهند. خلق کرد ما تندساز بخشهای دیگری در ایران در زمان حکومت شاه بر علیه رژیم مبارزه میکرد و خون میریخت. مبارزه خلق کرد و خون کشته ریخته شد برای این نبود که شاه را به جلادانسی مثل خمینی و خالالی تبدیل کند، بلکه بنبرای آزادی و سوسیالیسم و خودمختاری بود. شهرهای کرد نشین مثل یاه و کرمانشاه، سنندج، مهاباد و دیگر نقاط کردستان بیش سنگر انقلاب بوده اند. در عرض سه سال گذشته رژیم خمینی روز به روز بیورش و حشیا نه خود به جنبش دموکراتیک خلق کرد را گسترش داده است. و این فقط محدودیه ایران نیست. در کردستان عراق رژیم فاشیست صدام تکریستی نیمه از کردستان را از کردها خالی کرده و بجای آنها عشیره های عرب را گذاشته. قدیمی ترین و

زیباترین مناطق کردستان مثل کرکوک، سنجار، خانقین... را تعریب (عربیزه) کرده و دهها هزار مبارز کرد و عراقی را به زندان انداخته و شکنجه میدهد. صدام در حمله وحشیانه اش بر علیه جنبش کردستان در عمل سعی در نابود کردن قوم کرد دارد. علاوه بر این، حدود ۱ میلیون کرد از جمعا ۲۲ میلیون در ترکیه زندگی میکنند و در آنجا هم حکومت نظامی برقرار است. این جنگ وحشیانه بر علیه کردها، اعدام مبارزین، و ستم ملی که حکومت های فاشیستی صدام، خمینی و اورن اعمال میکنند نمیتوانند مبارزه حق طلبانه خلق کرد را سرکوب کنند. ملت کرد در مبارزه اش برای حق تعیین سرنوشت همبستگی خود را با انقلاب پرولتری مکرر نشان داده. اکثر خا نشین ما نند حزب توده و فدائیان اکثریت همیشه دم از این میزنند که خط انقلابی لنین را دنبال میکنند. ولی لنین هیچگاه حق تعیین سرنوشت ملل را در مقابل یک انقلاب اجتماعی قرار نمیداد. این رفرمیستها ای ارتجاعی در عوض به انقلاب خلق کرد حمله میکنند و مردم دلاور کردستان را ضد انقلابی مینامند. مبارزه شش میلیون کرد در ایران برای دموکراسی در ایران خودمختاری در کردستان را نمیتوان نادیده گرفت. خلق کرد در انجام پیروز میشود و کردستان را گورستان ارتجاع خواهدیم کرد.

ارامنه بود که مبارزین مشروطه طلب بر علیه دولتهای غاصب و برای یک قانون اساسی جدید مبارزه نمود. مذهب هم انطور که ما رکن مکتوبه امملا و مکتوبه است و لکذا همچکا به حیر نمیتوان آنرا منع نمود. اقلیت های مذهبی نیز اگر رشید آزادانه فردیت خود را از رویای تون انسانی ببینند، در راه رسیدن به یک جامعه نوین ناسیونالیست مبارزه خواهند نمود. چرا که نحوه برخورد به آنها نیز

وضعیت بهائیان، یهودیان در آلمان نازی

بعنوان یک یهودی که خود نیز یارها در برابر طغیان تبعیض مذهبی را چشیده ام میخواستم بگویم که یهودیان سرکشتار بهائیان یهودان را برانزیم، ممانده صند ما در که طوبی جسمان فرزندان در خیال خود بقتل رسیده و آکا های زوجه اردوگاها بیباقیان بیخامن در صحرای شیراز میا در نوشتن یهودیان در آلمان نازی

مانند نحوه برخورد به سائیر نیروهای انقلاب تشا ندهنده در هر رشته انسانی جنبش میا شد. با میدیست سرگدا شتن مرحله تا تمام انقلاب ایران زنگران

در جستجوی يك مند

همان انقلاب آزادی شماره ۳ و هم از مقالات همکاران شما که در ایران نشر منتشر شدند، موفق شدم، با اندیشه و روشی که شما نشان دادید، با این آشنایی خوشحال و به آینده امیدوارتر شدم، چرا که حس کردم آنقدرها هم تنها نیستیم، با وجود این نازمندی که با شما آشنا تر شدم...

احساس نزدیکی من به شما، که سبب امیدوارتر شدنم گردیده، در رابطه با این است، که از نظر فکری و عملی جبهه ایرانی - بعنوان تنها امیدوار مکان آینه شده، گویا کمر بند شده است.

حرم اندیش و روشهای غلط مبارزات بسیار زمانهای اصطلاح انقلابی چه در ایران (و ایرانی خارج از کشور)، البته که خودزائیده شرایط اجتماعی ایجاد و رشد این سازمانهاست...

با زمانهای م. ل. عموماً چه در نظر فکری و چه در روش عملی قدرت طلب و مصلحت گرای هستند، هدف همه آنها در دراز مدت، ایجاد جامعه مدرن صنعتی است، که علمای و عمال با نیازهای انسانی در تضاد است. اینها رافع بهره کشی اقتصاد را خود بخود دفع کنند. استعمارگر میباید آید، روش آنها عموماً نفوذ مردم، برای کسب اعتبار بیشتر و قدرت باسی است. در این راه از آنجا که معتمدند، هدف مقدس رها نمیکنند. را تعقیب میکنند، بکار بستن هروسلیهای را شروع و موجه میباشند. آنها ساختن جامعه ای را در نظر دارند، که در شرایط یک قرن پیش، نظریات مربوط به چگونگی آن جامعه و راههای ایجاد آن پرداخته شده اند. بعضی در رابطه با هدف و روش، یک قرن در جازده و از پویایی و تحول، خشک مغزانه خودداری میکنند، صنعتی شدن و صنعتی تر شدن و پیشرفت فنی را، بدون توجه به عوارض جامعه صنعتی مدرن (چه در شرق و چه در غرب)، آرزو کرده و برای تحقق آن میگویند...

برای چپ انقلابی و تلاشها فرا اهمیت است: ۱ - از خود، جامعه، تاریخ و فرهنگش شناخت بهتری یافته در علم و عمل به طرز انقلابی آثار استعمار تاریخی در شصت خود را معطوف به بردار زدو از این طریق هویت ایرانی خود را بازیابد.

۲ - از نتایج مبارزات مردم جهان آگاهی یافته، با پویایی و ابتکار به هویت ایرانی خود پیوندد. دستاوردهای این مبارزات برای تحقق آرمانهای انسانی مبارزه کنند، در این راه با بدست انقلابی شناخت و تغییر و تحول یزیده ها بکار گرفته شود. []

المان غربی - سوسیالیست در حال تکاپو

جنبش زنان عیانگر محدودیتهای تنوریک چپ

با ظهور جنبش زنان در انقلاب ۱۳۵۷ ایران، جنبش چپ برای اولین بار در تاریخ معاصر جمعیتی عظیم از زنان را سازماندهی و روپوشد که نه تنها ارتجاع و ضد انقلاب حاکم را با خواستهای خود پیوسته سوال میکشید، بلکه با حضور مفا و مخدود، محدودیتهای تنوریک فلسفی چپ را عیان میساخت اگر گروهی زسا زمانهای چپ، بطور کلی با به این جنبش بی تفاوت نبودند یا آنرا ارتجاعی خواندند، گروهی دیگر آنرا حمایت کردند اما حمایت آنها در نتیجه درک اصیل و پویایی از این جنبش و مسئله زن بطور کلی نبود. این گروه که عمدتاً با بهای تنوریک خود را بر سر مسئله زن بر اساس کتاب مشاء خانواده انگلس میگذازد، بمانند انگلس صحبت از آمیخته شدن و جذب

اهمیت آزادی زن

خیلیها میگویند در شرایط کنونی ایران مسئله آزادی زن اهمیت خاص ندارد اما این حرف اولاد راست نیست چرا که الان شرایط زنان در ایران انقدر وحشتناک است که همه زنان میدانند که تحت ستم قرار گرفته اند.

من خودم در تظاهرات ۳ روزه و خودانگیخته مردان دهه سال گذشته بر علیه حجاب شرکت کردم، مسئله ای مثل حجاب خیلی مهم است و زنان از آن به تنگ آمده اند.

در این تظاهرات همه شرکت کنندگان بدنهای سالم و جوانی را در اختیار داشتند.

مسئله آزادی زندان ایران عیناً مهم است و هر صحبتی که حول آن میشود توجه زنان بسیاری را جلب میکند.

زنی که اخیراً از ایران آمده

فرم جلسه انجمن آزادی زن

بعد از شرکت در جلسه انجمن آزادی زن مشا هده

تفاوتهای آن، با ردیگر به این مسئله پی بردم که فرم سستی برقرار است. جلسات در سازمانهای چپ ایران چند رفقان با آراست همیشه شنوندگان با ایده منطق "پیشرو گوش فرما" دهنده هیچ را بطور دو جانبه ای بین حاضرین و سخنگویان وجود ندارد. فرم جلسه زنان نشان داد که اگر امکان صحبت به خود نبرویم

انقلاب داده شود، آن صحبت در درونش با لاترین مسائل تنوریک را عرضه میکند. زیرا در فردیت صحبت کننده ها، نگاه از خواست خود حرکت میکند یک کلیت طرح میشود که میلیونها انسان دیگر نیز در آن شریک هستند.

مرد مارکسیست هوما نیست * * *

سکوت قبل از توفان

یک دوست که تازه از ایران آمده میگفت شرایط خیلی خفنا نیست، مردم رفتن تو خونه ها شون و میخواد هند هومن مقصد را آزادی هم که دارن در خانه حفظ کنند. از سازمانهای موجود هم چیزی نمی بینند و خلاصه انقلاب توده ای نیست تا چند سال دیگر. این صحبت مرا خیلی ناراحت کرد. مردمی که تجربه اخیر انقلاب بهمزاد شده اند.

مجال است که بگویند و لاش کن بحال خودش، هر چه شد، شد، درست است که مردم توی خیا با نباش نیستند، ولی این سکوت قبل از توفان است. علم کردن یک سازمان که الترنا تیوید و مومنا فدیا لاش بریوم، چیز غلطی است، مردم چنین چیزی را نمیخواهند. بنظ من داشتن یک فلسفه انقلاب در این شرایط بسیار حیا است.

زنی که اخیراً از ایران آمده

حرفها و نظرات

شروع مبارزه از چهار دیواری خانه

من زنی هستم که خیر اولین آموخه ام و میخواستم نظرات و تجربه های خود را در مورد آزادی زنان و شرایط ایران با شما در میان بگذارم. آزادی زن فقط این نیست که ما در یک جلسه یا تظاهرات شرکت کنیم و کار بخصوص جمعی انجام دهیم. هر زنی بنویسه خودش با پدر چها دیواری خانه روایطش با برادر، پدر و شوهرش را در نظر بگیرد. استثمای زن الاخصوص بعد از ازدواج شروع میشود. فرهنگ ما از نظر تربیتی بین دختر و پسر فرق گذاشته. ازدواجهای اجباری شده که مرد زنی را (بعنوان ازدواج) شدیداً استثمار کند. هر زنی بنویسه خودش با پدر ما رزه را از خانه

در ایران فقط بیوع استثمای زن تغییر کرده چرا زنان احتیاج را می کنند و کرده اند، آنها لقب هر چا بی داده شده. برای مثال عکسهای تظاهرات زنان را چاپ کرده و آنها را هر چا بی میخوانند. در ادارات، همکاران سابق مدوری از زنان صحبت میکنند بکار که "توضیحاتی، توکاری نمیتوانی کنی، خصوصاً از وقتی زن زیر حجاب رفته، نامردها میگویند تو همین بودی."

الان مبارزه زنان از هر موقع ضروری تر است. ما باید هر کاری از دستمان بر میآید برای کمک به این مبارزه انجام دهیم. وظیفه هر یک از ما زنان است که مبارزه را از چهار دیواری خانه خود شروع کنیم. انسان احتیاج به زور ندارد. با انسانیت با من رفتار کن تا انسانیت ببینی.

درگیر نخواه و فرزندت را رها کن

رابطه تنوری پارتیک

خیلی زگروهها را ببطور تنوری و پرتا تیک را این میداندند که تنوری خودشان را به عمل بگذارند و تنوری خودشان را واقعیت موجود کسب کنند. لااقل خود ما رکن محوری خود را انسان گذاشت.

ما رکن تفاقا پرولتاریا را موقعی کشف کردیم در کشور خودشان بدان ترتیب پرولتاریایی وجود نداشت. ولی و عنصر انسانی را در حرکت دید و بعداً بین رانقطة حرکت خودشان قرار داد و به مطالعات خودش که انتزاعی هم نبودند ادامه داد.

زندان نشجو

بخورد چپ بانسانها

آیا سازمانهای چپی با افراد خود بعنوان انسان، بخورد میکنند؟ توده های مردم نسایل را می بینند ولی آیا چپ به آنها اجازه بیان این مطالب را میدهد؟ اگر میداد اینها نیروی عظیمی میشدند.

مشا گام م را میگرد. میگفت که من پیشنهاد خودم را به "کار فرستادم ولی آنها اصلاحی بی آن ندادند. فکر میکنم که طول بکشد تا چپ به این مسائل برسد، چون خودش تفاقا دارد.

زنی که اخیراً از ایران آمده

شما در این ۳ شماره نشریه از شوروی بعنوان کشوریکه در آن سرمایه داری دولتی حاکم شده است نام میبرید. خیلی علاقمندم که تحلیل شما را در این مسئله بدانم. همینطور علاقمندم تحلیل شما را از بنی صدر رجوی و شوروی مقامت ملی و طریقه برخوردتان را با زن در شرایط کنونی بدانم. با آرزوی موفقیت و پیروزی روایه

زنی که اخیراً از ایران آمده

از قلم کارل مارکس

نحوه برخورد فیلسوفی انقلابی با جنبشی انقلابی

ترجمه از: نهال

متن زیر که گزیده‌هایی از پاسخ انتقادی ژوئن ۱۸۴۴ مارکس به آرنولد روگه می‌باشد، برای اولین بار به فارسی ترجمه و چاپ می‌شود. * مقاله "شاه پیروسی و فرم اجتماعی" روگه (با مضاء "یک پیروسی") که از جایگاهی برتر به پائین می‌نگرد، به خیزش بافندگان سلزی را بی‌پهلو و نومیدانه خوانده بود. مارکس از شکستن ماشینها و نا بود کردن دفا ترحاب و عنوانهای مالکیت، نه به "عقب افتادگی بلکه به" خصلت تئوریک و آگاهانه "خیزش کارگران رسیده و آراحتی برتر از انقلاب فرانسوی میباید. مارکس که در نامه سیمتا مبر خود به روگه * نوشته بود: "ما به جهان نمیگوییم دست از مبارزاتمان بردارید آنها احقنا هستند و ما میخواهیم شعرا رقیب ما را به شما بدهیم". ما فقط به جهان نشان میدهیم که واقعا برای چه مبارزه میکنیم. پس از خیزش سلزی بطور قطع از روگه میبرد. بدینسان طرز تفکری و نحوه برخورد به پرا تیک خود کارگران محک تئوری میشود. از آنجاکه برخورد تئوریک از زمان ماحتی بعد گسترده تری یافته، باز تولید مقاله مارکس ضروری هر چه بیشتر پیدا نموده است. * جهت دریافت کمال مقاله، لطفا مبلغ ۵۰ سنت بآدرس ما ارسال نمائید. * ترجمه و انتشار در "انقلاب و آزادی" شماره ۳.

لبن و حق تعیین

سر نوشت ملت ها

تفاوت لبن با سایر مارکسیستها از جمله روزا لوکزا میورگ بر سر حق تعیین سرنوشت و انقلاب در این بود که آنها همبستگی خود را با ملیتها فقط بر علیه مبریا لیسما اعلام میکردند، اما لبن همبستگی این رابطه را با ملیتها و روسها و سایر ملیتهاست که با یسد برای ما نمایان میگردد. لبن همواره خواستار همبستگی خود با ملیتها بود ولی هیچگاه اصول خود (ا) انقلابی بولتا ریایی را رها نکرد. هدف او و روابط توین انسانی بود در همین حال اعلام میکرد که اگر ملیتها قمد جدا شدن دارند این حق را با یسد آنها داد. ف-آزاد، خواننده دائمی

ندای یک مادر کرد

کدام حاشینکری بدرگج گرفته را تیرباران میکند و بعد برای هر چند هزار تومان بول گولبه طلب میکند گفت حتی یک تاهی هم بهتان نمیدهم. وقتی برای تحویل اجساد در قسم و ما در آن دیگری راهم دیدم سکوت را جا بزنداستم. مگر من در طول انقلاب دوش بدوش مردان نچنگیده بودم؟ قریب دزدم، با شاشه اما من، با شاشه مذهبیتان دوتا بچه ام را دادم، خودم و بچه های دیگرم را هم میدهم. قریب دهای من ما در آن دیگر را هم بحرکت انداخت...
فآره التحمیل بیگار

یک زن کرد که در همانا بول قدرتیای خصی، وفوریت خود را حبت نهاد و انقلاب هدیه کرده، میگفت: "خلعانی جلایه برانگه فقط آرا دمیخواهستند تا "حرم" بسته شود: اگر کرد ۲- سی، ۳- دا شجوسو... مد گفته بود که هر کدام آرا بنها مستحق اعدامه. سایرین شما ها رو با یسد ما را اعدام کرد. بلافاصله بعد از یک ماه زحرفی سربخ آها را در حالیکه یکسان تا کمر درگ بود همرا جند ما زردگر تیرباران کردند که عکسها یسد دیده اید.

عضو همبستگی: در مورد ایران و لهستان

"میدان گرفتن کلیسا چه مفهومی دارد. میدان گرفتن" اسلام کمکی به انقلاب ایران نکورد. کلیسا تنها هنگامی "میدان" میگیرد که جنبش بخواد و دولت لهستان بسیار رخصال است که به کلیسا امتیازاتی را بدهد که به همبستگی نداد، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، قدرت مذاکره، تا شرکت در حکومت و الخ. ضد مطلق دولت چه در لهستان و چه در ایران، خود انکشافی خود کارگران میباید. کلیسا و قتی که کارگران در خواستهاشان آزادی مذهب را قیود میکنند "میدان" نمیگیرند، اما بزودی در خواست مردم ستدیده همدان سلسله مراتب کلیسای بی کسه میتواند با استالینیسیم "همزیستی مساومت امیز" کند نیست. سا نفا نسیکو، بیسک خواننده علاقمند.

آگاهای از نقش کلیسای کاتولیک در لهستان، از یکی از اعضاء همبستگی که اخیرا از آمریکا دیدن میکرد، نظرش را نسبت به انقلاب ایران و نقش مذهب در آن بر میدهم. او توضیح داد که کلیسای که چند دهه هزار سال است که چشم انداز هزار سال زندگی دیگر دارد. سایرین دیدش از یک انسان که فقط انتظار ۲۰ سال زندگی را در متفاوت است. با اینکه کلیسای شما همدقا را با مظاهره بیاندازد، با اینصوف ما بیل است صورتها و قدم به قدم میدان بدست بیاورد. اما مردم وقت آنرا ندارند که راه را اینگونه انجام دهند. البته در لهستان سگوت در مورد ایران تقریبا همه جا نبه است. او بر اساس اطلاعاتش، خمینی را یکی دیگردر دره رژیمهای توتالیتر را بیخ حساب میآورد. مسئله بر سر این است که

نیاز تجدید سازماندهی کامل فکری

نشریه انقلاب و آزادی راه دقت خوانند و حرفهای زیادی در مورد آن دارم. با راه سعی کردم که با حفظ استقلال فکری و عقیده ام و با حفظ نقطه نظرات شخصی با سازمانهای موجود ارتباط برقرار کنم ولی متاسفانه بعلمت وجود هیئتی شدید در سازمان سازمانها و نتایج موجود بیانه آنها، موفق به ایجاد یک ارتباط سالم با حفظ استقلال طرفین نشدم. من در طول مطالعات و برخوردهای مختلف با جریانات روز تریخی، اعتقاد دارم که بطور کامل به "لنینیسم" از دست داده ام که البته جای بحثهای طولانی است. در مورد "مارکسیسم" با وجود اینکه مقدار زیادی از نوشته ها پیش را خوانده ام ولی بعلمت ضعف ترجمه ها تسلط چندانی به مسائل تئوریک مارکسیسم ندارم. با شمولی منحصرا بخاطر عقیده عمیق به استقلال، بخودم اجازه میبدهم که با وجود اطلاعات ناقصم انتقادات بزرگی به "مارکسیسم" ننمایم. که البته میدانم که اشکالات زیادی به انتقاد ما وارد است. اکنون مشغول مطالعه آثار رهگل هستم و با این مطالعات هم با این خاطر است که میبینم در آثار مارکس اکثر آثار تئوریک زیادی از فلسفه هگلس بچشم میخورد. فعلا میتوانم ادعا کنم که یک سوسیا لیست آزاد هستم و احتیاج چیه مطالعه و تکامل بسیار دارم. آلمان، جوان در حال جستجو

... دولت، آنطور که پروسی از شاشه میخواست، هرگز علت بیماریهای اجتماعی را در دولت و سازمانهای "جامعه" نمیخواهد یافت. جایی که در آن احزاب سیاسی باشند، هر کدام علت هر شری را در این امر که رقیبش و نه خود او و زمان دولت را در پیدایش میکند. حتی سیاستمداران را در یکال و انقلابی هم علت بدبختی را نه در ماهیت دولت بلکه در شکل خاص آن زمان که آنها خواستار تعویض با شکلی دیگر هستند، جستجو میکنند. از نظر سیاسی، دولت و سازمان جامعه دو چیز متفاوت نیستند. دولت همان سازمان جامعه میباید. تا آنجا که دولت بوجود بدبختیهای اجتماعی اذعان دارد، آن بدبختیها را با به قوانین طبیعی که انسان قادر به تغییر آن نیست، یا به زندگی خصوصی که مستقل از دولت است، یا به نقیصه اداری که وابسته به دولت است نسبت میدهد. دولت بر روی تضاد بین زندگی عمومی و خصوصی، بر روی تضاد بین منافع عام و خاص مبتنی میباید. بنابراین اداره دولت میباید بدخودش را به یک فعالیت فرمال و منفی محدود کند چرا که آنجا که زندگی مدنی و کارش آغاز میشود، قدرت آن متوقف میگردد. در واقع برخلاف نتایجی که از ما هیست غیر اجتماعی این زندگی مدنی، از مالکیت خصوصی، مبادله، صنعت، و تاراج دو جانبه گروههای مدنی مختلف ناشی میشود، بر خلاف این نتایج، عقیم بودن قانون ما هوی اداره است. این تجزیه، این انحطاط، این پردگی جامعه مدنی بمنزله بنیاد طبیعی ای است که دولت مدنی بر روی آن قرار دارد، درست بهمان گونه که جامعه مدنی پردگی بمنزله بنیاد دولت یا ستان بود. وجود دولت و وجود پردگی از هم قابل تفکیک نیستند... اگر دولت

نقد فلسفه انقلاب

... سومین شماره "انقلاب و آزادی" را با خوانندگی و امتنان فراوان دریافت کردم این شماره بسیار پرمحتوی تر، غنی تر و وسیعتر است... ارتباط دوسویه شما با خوانندگان علاقمند هنگامی زنده و بارور میماند که بین این وان شماره و قتی به بانه از بین میروند و سومین شماره پیش نیاید. من به خطوط فکری و تلقی رایج و نایفگایا تنها از اخلال نشریات شما آشنایی دارم... نظرگاه ایشان - شما - در مورد آنچه در ایران گذشت، در این نکته میتوان خلاصه کرد که انقلاب ایران از آنجا که فاقد فلسفه انقلاب بود شکست منجر شد... آرایا مکر داشتند فلسفه انقلابی تعینی است برای جلوگیری از انحراف آن یا خیر؟... مملکت حقیقی بهروری فانیسم مذمعی را با نیست و روچود سنتها و اعتقادات و تاریخ پیدا این سیستمهای استبدادی در این مملکت دستخورد و نیز در نحوه صفارایی نیروهای سیاسی در روز، و بیون این جامعه بهنگام اوج گیری قیام...

بر تاریخ این مملکت اکثر زمانی را میتوان یافت که آزادی - یعنی کسی و عمومی آن - از زمان شب هم لایزتر و واجب تر باشد. این هم ناشی از رشد کیفی فرهنگ سیاسی مردم میبماند است و هم ناشی از شیوه عمل حکومت زورگرایان... حکومت مردمی و شورایی و دسته جمعی! این هدف و امید بنظر مخلص تنها تضمین و طرفیت رسیدن به مرحله بازسازی کشور و شرایط دموکراتیک در همه زمینه ها است. بارود های فراوان - سرب آلمان غربی

نقد فلسفه انقلاب

... سومین شماره "انقلاب و آزادی" را با خوانندگی و امتنان فراوان دریافت کردم این شماره بسیار پرمحتوی تر، غنی تر و وسیعتر است... ارتباط دوسویه شما با خوانندگان علاقمند هنگامی زنده و بارور میماند که بین این وان شماره و قتی به بانه از بین میروند و سومین شماره پیش نیاید. من به خطوط فکری و تلقی رایج و نایفگایا تنها از اخلال نشریات شما آشنایی دارم... نظرگاه ایشان - شما - در مورد آنچه در ایران گذشت، در این نکته میتوان خلاصه کرد که انقلاب ایران از آنجا که فاقد فلسفه انقلاب بود شکست منجر شد... آرایا مکر داشتند فلسفه انقلابی تعینی است برای جلوگیری از انحراف آن یا خیر؟... مملکت حقیقی بهروری فانیسم مذمعی را با نیست و روچود سنتها و اعتقادات و تاریخ پیدا این سیستمهای استبدادی در این مملکت دستخورد و نیز در نحوه صفارایی نیروهای سیاسی در روز، و بیون این جامعه بهنگام اوج گیری قیام...

بر تاریخ این مملکت اکثر زمانی را میتوان یافت که آزادی - یعنی کسی و عمومی آن - از زمان شب هم لایزتر و واجب تر باشد. این هم ناشی از رشد کیفی فرهنگ سیاسی مردم میبماند است و هم ناشی از شیوه عمل حکومت زورگرایان... حکومت مردمی و شورایی و دسته جمعی! این هدف و امید بنظر مخلص تنها تضمین و طرفیت رسیدن به مرحله بازسازی کشور و شرایط دموکراتیک در همه زمینه ها است. بارود های فراوان - سرب آلمان غربی

آدرس پستی
E&A P.O.BOX 07170A
Detroit, Mich. 48207 USA
را مشترک شوید
انقلاب و آزادی
ایران همین آزادی

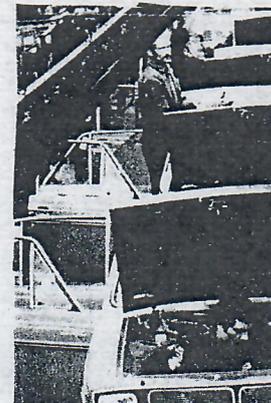
تیغیه از صفحه ۱

تیغیه: اعتصاب کارگران ایران ناسیونال

تحت عنوان "رفع تعصبات بین کارگران ناسیونال" کلیه مزایای ایشان را دارد. سریع وقایع بود. این اعتراض نشان داد که کارگران از تحسار مبارزاتی خود دیگر زمکشان - متلاطم یا دش و عیدی را نندگان شرکت واحد - آموخته اند. درین اعتصاب توکلی وزیرکار بهراره با سداران و نمایندگان دادستانی و چند روحانی بمحیط کارخانها سرافراز شده. بنا سخنرانیهای متعدد و بزور ۳۰ ساعی درخاموش استن شملههای مبارزاتی تکی کارگران نمودند. توکلی کارگران را به "فروش کارهای دریا قنبری" از کارخانجات دولتی متهم کرده و افزود "دولت منبعث از ملت مسلمان انقلابی نمیتواند نوبنیاید دنیا له روسیا ستبای ارضائی و ریاکارانه آن سرمایه داران ظالم فراری باشد. یک نمونه آن همین دادن امتیازاتی است که کارگران بعضی زواحتها آنچه که کارگران هرروزه درواحدهای تولیدی شاهد آن هستند، ادا نموند تولید استنما ریا است که از همان سرمایه داران فراری بجا مانده و رژیم اسلامی - صاحب جدید آن - چاکرانها از آن نراست میکند میباید خاکمین کنونی این و رشین سرمایه های باقیمانده را از آنها هم فراتر نهد و بزور سلحه و تمان زجاعت خواهان سلب کلیه مزایای پیش دستند که کارگران از پس میارزات پیگیر خود بدست آورده اند. توکلی که از رشد روزافزون بیکاری (فراری ۴۰ درصد) بخوبی مطلع است، بعد از اینکه روزه خوبی برای کارگران را با نتیجه یافت، آنرا به تعطیل کارخانه تهدید کرد. کارخانها بیرون ناسیونال پس از انقلاب ۵ میلیار تومان بفرز داده است. . . . بنا براین ما از تعطیل این کارخانه بهیچوجه ضرر نخواهیم کرد. کارگران در حالیکه دولت را بعنوان صاحب کارخانه و ساز زورکش مثل وزارت کار، انجمن اسلامی، دادستانی، مدیریت کارخانه و سایر پانسانان را در مقابل خود یافتند، علیرغم تهدیدات وزیرکار و سایر مبنی بر تعطیل کارخانه، به مقاومت خود ادامه دادند. در پی حمله سپاه و درگیری وسیع با کارگران، تعدادی از کارگران زخمی و کشته شدند و تعدادی از آنان "آخلانگ" و "آمریکائی" روانه زندانهای رژیم گردیدند.

آغازی نوین

چون ماشین سازی تبریز و اراک، صنایع الکتریکی شیراز، ذوب آهن، پارس خودرو (جنرال موتور) صنایع نساجی و فندگی با افت شدید میزان تولید روبروست. وزیرک و طبقه خود را احداث از سطح سرمایه یافته است تاکنون در احداث صنایع کشور بر اساس همانا بطبع استنما ری دیرین کوشیده. یک روز در قالب انقلاب برای اسلام عزیز و اینکه "ما برای شکم انقلاب نکرده ایم" روز دیگر در قالب "تولید بیشتر جهت فائق آمدن به رژیم صدام" با لایبردن طول کار روزانه سعی در افزایش آهنگ کار، حذف مزایای کارگران، کوشیده است تا از طریق فرسایش هرچه بیشتر کارگران و فعلیت بخشیدن به شعار معروف "کار بیشتر، مزد کمتر" اقتصاد دور شکسته خود را نجات دهد.



سرا زیر نموده و بدان نام "انقلاب فکری" نهاد. فراموش نکنیم که از پس تعطیل دانشگاهها لحظه ای وقفه در مبارزات جوانان چه در عرصه مدارین و چه در راه دگسترده اجتماعی ایجاد نگردیده است. رژیم اسلامی در شرایطی قصد تمویل "انقلاب اقتصادی" را دارد که صنایع نفتی کشور در اثر جنگ تقریباً در ورطه نابودی است. با لاشنگاهای شیراز، اصفهان و دیگر واحدهای پالایشی که از جنگ بدور مانده اند، با اعتراضات کم کاری و در برخی موارد با اعتصابات کارگری روبرو بوده اند. صنایع کلیدی دیگر

با توانی خود را احداث مداوی بیمارستانی و نا پذیر سرمایه داری و جلوگیری از تضییع کارگری بوضوح نشان داده است. اعلام حکومت نظامی بر قرار میسازد اما در کشور سرمایه داری دولتی لیسان - که خود را کمونیسم بنا مد - علیه جنبش ۱۰ ملیونی همبستگی نمونه ای از فرجام برنا مفا متمرکز دولتی است. امروز هزاران تن از آگاه همبستگی درون رودگامی که مفا کمبهای بیوردیان در زمان فاشیسم هیتلری است را ندهنده است. کارگرانی که هنوز آزادانه با مقاومت دائمی، کم کاری و عدم حضور در مقطع تولید، ضد مطلق سرمایه داری دولتی را مکشوف ساخته اند. کم کاری به سلاجیبینا مملسی کارگران علیه سیاست ضد انسانی سرمایه داری چه در فرم خصوصی و چه در فرم دولتی آن - بدل گردیده. هم اکنون کارگران ایرانی همانند کارگران ایستانی با ضربات ضد انقلاب با نهر و هر دو دشمن اصلی رادخانه مفا رزاتی کارگران ایران خصوصاً در حین انقلاب بهمن - جنبش همبستگی در لسان نشان داد که خود را تکبختگی توده ها و اجا دمبستگی با نیروهای دیگر انقلاب به نشان می با خود حاکمیت آنها بر سرنوشت خویش را به همراه نخواهد داشت. بیوندسا یک فلسفه انقلاب کمال که بیان واضح تمسکات توده های انقلابی را دربر داشته باشد و نمایان کننده برای پیروزی است. اگر چه امروز جنبش کارگری در ایران گسترده نیست ولی حاصل ایده آزادی است یعنی همان ایده ای که رزمندگان کرد، بزنان آزادیخواه و جوانان انقلابی را با آنها هم

با بد کرده در عمل مانع موجود بین مطالبات سیاسی و اقتصاد خود را شکستند. اعتصابات هرروزه کارگران صنعت نفت نیز که با همبستگی با دیگر نیروهای انقلاب در تداوم خود رژیم شاه را سرنگون کرد با طرح آزادی زندانیان سیاسی بعنوان یکی از خواسته های خود عمق سیاسی مبارزات خویش را شکوفا کرد. اینکه امروز کارگران ایران ناسیونال هم چنین خواستی را آشکارا مطرح میسازند نشان نگر نیست که مبارزاتشان حاوی تجربه غنی انقلاب بهمن است. کارگران ایران ناسیونال علیرغم عوام فریبیهای رژیم مبنی بر برجسته کردن آمریکا بعنوان دشمن اصلی، مبارزات خود را متوجه صاحبان وطنی ایران تولید بالا خاص خود دولت اسلامی نموده و هماغانند مبارزان کارگرد دیگر دشمن اصلی را در خانه یافته اند. این امر که فقط یک جانب آشکار از انکشاف جنبش در سه سال گذشته است، اجازه نمیدهد انقلاب مرده تصور گردیده و زمان تداوم آن است.

پیام کارگر جنرال موتور در آمریکا

زندها را انجام میدیم. خیلی از کارگرانی اینجا به این عادت کرده اند. در سال ۱۹۴۳ در دست در وسط جنگ در مادن ذغسال کنساکتی (من خود ما همل انجام) یک اعتصاب عمومی راه افتاد. رهبران اتحادیه مخالف اعتصاب بودند چون بخیا ل خودشان ما با پدر فراموش میکردیم چطور سرما ن گلاهیگد، رند، چون میبایستی با یک دشمن خارجی میجنگیدیم. اما کارگران میدونستند که دشمن اصلی همیشه در خانه است. این درست همان چیزی است که در راه تو بران اتفاق افتاد. وقتی جنگ میشه کارگران بیخ دیوار گذاشته میشن

خبر اعتصاب کارگران اتومبیل سازی ایران برای من اصلاً تعجب آور نبود. هرچی باشه، کارگرها سراسر دنیا میداند که تولیدکننده تمام ثروت اند و چطور همه چیز از دستشون ربوده میشه. اما این یک واقع مهم است چرا که در حین جنگ بوقوع پیوسته و آن کارگران با پیوسته میدانستند که با اینکار، جان شان را در خطر گذاشته اند. این مزابیاد و تضاع کارگران این کشور در طول جنگ جهانی دوم تداوم داشت. امروز کارگران آمریکائی بخاطر اعتصاب میباید با کالی فورنیا راسی در بیفتند. اتحادیه میگه: شمارا حث بنشینید، ما چانه

برای کارگران حمله سپاه حادثه ای غیر منتظره نبود. کارگران از ما هیت سپاه با خبرند و در همین چند ماه اخیر شاهد درگیری سپاه و کارگران درواحدهای تولیدی دیگر از جمله شهر صنعتی البرز بوده اند. اینکه کارگران علیرغم شرایط فوقانی و پلیسی حاکم و وقوف از جمله حتمی سپاه پاسداران،

سرنوشت میکند ما انقلابی با دید چشم و گوش خود را جهت درک انگیزه ها و تمسکات آزادیخواهان همین نیروهای انقلاب که در عمل ضد مطلق رژیم را آفریده اند، پیش از هر زمان دیگری بازنگهداریم.

چون ماشین سازی تبریز و اراک، صنایع الکتریکی شیراز، ذوب آهن، پارس خودرو (جنرال موتور)، صنایع نساجی و فندگی با افت شدید میزان تولید روبروست. سازمان آسان کشور یکی از لایله عمده معظ میزان تولید را "کم کاری" و اعتصابات کارگری "اعلام کرده، دیگر صنایع و کارگاههای تولیدی کوچک

در طرح اجرای یک ضد انقلاب نوین تحت عنوان "انقلاب اقتصادی" دارد. منتظری در خطبه های خود میگوید: "شرایط کنونی جامعه ما نیازمند یک انقلاب اقتصادی است."

جهان در مبارزه



کرد آوندگان، بابک و آوار

برخورد دیگری بین اعراب و اسرائیل یا چرخشی در سیاستها مابین رادیکال‌ها؟

اسرائیل بیکن هرچه بیشتر به منشاء ارتجاعی و تروریستی خود برمیگردد

السالوادور: مرحله‌ای جدید در جنگ داخلی

شورش را میگردانند. تهدید بمباران نیکاراگوئه و تبلیغات جنگی علیه مردم السالوادور در این شرایط روز بروز افزایش می‌یابد.

در اثر این فشارها، رهبران اپوزیسیون - جنبه موزیکال انقلابی - پیشنهاد به برقراری مذاکرات بعد از انتخابات داده‌اند. حکومت نظامی حاضر به برسمیت شناختن اپوزیسیون نشده و جنگ ادامه دارد.

مانند انقلاب ایران، مخالفت دهقانان، کارگران، جوانان و زنان با حکم هر روز بیشتر و بیشتر میشود. انقلاب کهنوس - های جهان سوم موظفند همسنگی خود را با مبارزان در حال وقوع برای آزادی شده بپذیرند. تا امروز مخالفت مردم آمریکا با سیاستهای امپریالیستی دولتمداران ریکان را از اعزاز به آمریکای مرکزی بازنگاه داشته است. سطح حمایت بین المللی این امر با مضن نخواهد نبرد.

در سر حمله انقلابیون به پایگاه هوایی ارتش السالوادور در مناطق تحت کنترل دولت که منجر به نابودی ۱۲ هلیکوپتر و هواپیمای جنگی نیروی هوایی آنکشور شد، مرحله جدیدی در جنگ داخلی السالوادور آغاز گشته است. ارتش چریکی سازماندهی کرده که کنترل هفتاد درصد مناطق را در شمال به دست گرفته است. گزارش‌های خبرگزاریها حاکی از این بود که تعدادی از پرسنل نیروی هوایی در مرحله به پادگان دست داشته‌اند.

امپریالیسم آمریکا نیز دست اندرکار تهیه نقشه‌های جدیدی برای دامن زدن به دخالت نظامی در السالوادور است. اشاره اخیر ریکان حاکی از این است که آمریکا از سر راهی آزادیبخش برای قوای خویش استفاده خواهد کرد. در حال حاضر بیش از ۱۶۰۰ پرسنل ارتش السالوادور در کمپهای آموزش نظامی در کشورهای

بسیار بگین که در تاریخ ۲۰ دسامبر برای سموئیل لویس سفیر آمریکا قرائت شد بسیار ناخوشایند. بگین تا تاریخ ۲۰ دسامبر پیش برمیگردد اندک زمانی بعد در چهار چوب آغا زنا ریخ بود تفهیم کرد. او آنگاه دست به اعمال خود را میزند و اقدام میریالیستی ضمیمه کردن بلندبهای جولان را به "رها نکردن ایمان و اعتقادات" یهودیان قرون وسطی در قبال ترور انگیز سیون مینما یا وارزوی دیگر هر مخالفی با سیاستهای خود را بر ضد سا میگری موجود در آن زمان تشبیه میکند.

ولی ایده فولوژی خاص بگین در سالهای ۱۹۴۰ از این حدهم بالاتر رفته بود. اینجا ست که دوباره نویسی تاریخچه چندان بر علیه یهودیان نیوده که آرکشتارهای دسته جمعی آلمان نازی گریخته بودند.

بعبارتی زمانی که سازمان ملل مشغول بحث پیرامون تشکیل کشور اسرائیل بود هم اسرائیلیان یهودیان فلسطین با تشکیل اسرائیل در قسطنطنیه از خاک فلسطین موافق بودند سازمان تروریستی زیرزمینی "برگون" که بگین ریاست آنرا بر عهده داشت همراه با گروه افراطی STERN GANG هتلیتنگ داد و پندار بدون توجه به اینکه کدام یهودیان کشته میشوند و فقط منظور تخطئه کردن گفتگوهای که جریسان داشت بایمب منفجر کردن بن کوریون و دیگر رهبران مبارزه مشکلی داشتند تا جاییان را از استقلال خود از این تروریستها واقف سازند.

حال بگین تا ریخرا چنین مینویسد در ۱۹۴۶ یک ژنرال انگلیسی بنام باکر در این خانه زندگی میکرد، اکنون من اینجا زندگی میکنم، وقتی ما با انگلیسها میجنگیدیم شما این عمل را تروریسم مینامیدید. اما این ریگان و امثالهم نبودند که برگون بدست افراطی STERN GANG را تروریست مینامیدند، این یهودیان فلسطین بودند که آنان را بدین نام میخواندند و بهمین دلیل هم بود که قریباً تمام اقدامات تروریستی آنها میشدند.

دروغ گوئی هرگز برای بگین مسئله ای نبوده و مطمئناً حاکم دوسیسری که پیش گرفته ما یعنی ایجاد نخواهد کرد. این مسیر خلق افسانه جدیدی از

ساعت برنا ما ش را اجرا کرد تنها یک تفاوت ساده اختلاف زمانی نیست، بلکه منظوری نقش بر آب کردن هر تلاشی توسط هنر کشوری و منجمله امپریالیسم آمریکا بود. تا آنکه وقتی ما وریل سر رسید و زمینهای مصر در سینا برگردانده شد و صحبتهای جدی بر سر خودگردانی ساحل غربی ونوا رفغز و آغا زگردید کسی نتوانست اسرائیل را مجبور به پس دادن غنیمت‌های جنگی اش بنماید.

رفتار ریکان در این رابطه ملاحظه شده، سنجیده و برنا ما میگری شده بود. از چه زمانی؟ در سالهای ۱۹۴۰ یعنی قبل از تشکیل دولت اسرائیل - بگین سه چندان بر علیه انگلیس یا حتی امپریالیسم آمریکا که از زمان به بعد آنرا دنبال کرده بلکه بر علیه توده‌های یهودی مبارزه میکرد، چه آن توده‌های کهنه برای ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی برای اعراب و یهودیان مبارزه میکنند و چه آنها که میخواهند ما واتی برای یهودیان در قسطنطنیه و فلسطین ایجاد کنند. ایده فولوژی ارتجاعی و فنانا تیک بگین برای "ارتش اسرائیل" (سرمین اسرائیل) که او آنرا از طریق تورات تفسیر میکرد، به ترور یهودیان ادا نمیداد. از آنجائی که مسئله دقیقاً همین نکته است باید نگاه عمیقتری به

در زیر ترجمه قسمتها شایز آخرین نامه فلسفی-سیاسی را با دونا بفسکا با رادری بیه با خاور میانه ملاحظه میکنید برای نسخه‌ای از متن کامل "انقلاب و آزادی" تماس با ما کنید.

درست در همان روزی که جهان به نظر ره ضد انقلاب در لهستان مشغول بودند یعنی ۱۳ دسامبر بونیکه سران لهستان حکومت نظامی را بر علیه توده‌های لهستان اعلام کردند بگین بیکباره از بستر بیمارستان نرسیدن صندلی چرخدار روانگناه لیموزین رسمی پریدودر کمتر از ساعت توانست توافق مجلس اسرائیل را برای ضمیمه کردن زمینهای اشغالی سوریه یعنی مرتفعات جولان جلب نماید. عملی که ضربه ای به همه توافقات قبلی و منجمله قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل که اسرائیل نیز آنرا به رسمیت شناخته بود وارد آورد.

این نخستین بار نیست که اسرائیل از توجیه که جهان به نظر ره ضد انقلاب در گوشه‌های از جهان استفاده کرده تا ضد انقلاب خود را در خاور میانه پیاپی کند. در سال ۱۹۶۵ تنها عروزیس آنرا که تا کنون روسیهدرون مجارستان هجوم بردند تا انقلاب آن کشور را سرکوب سازند، ارتش اسرائیل در برابر سکوت مطبعت آمیز دولتها امپریالیستی انگلیس و فرانسه، کانال سوئز را تصرف کرد. این مسئله که بگین در سال ۱۹۸۱ بجای عروزمعلی در عرض ۶

گذشته‌ها و تبدیلی خود ایده فولوژی افراطی خود به خط مذهب سیاسی دولت اسرائیل میبشد.

* * *

با بدنا کید کنیم حتی در شرایط کنونی نیز بگین نظر اکثریت اسرائیلی‌ها را اراقت میبکند. حزب او در اقلیت است و اتحاد مقدسی که با گروههای مذهبی ایجاد کرده باعث شده اکثریت را در پیمان حاکم نشود، برایش اکثریت حقیقی ایجاد نمیکنند.

چرا که نه فقط یهودیان اسرائیل نقطه نظرها ای گونه‌گون بسیاری وجود دارد و بهیچ صلح عظیمی در آن کشور وجود دارد بلکه حتی صیونیسستها هم که از فنا تیس مذهبیه به تنگ آمده‌اند در حال مهاجرت از اسرائیل هستند.

بی شک بگین در فرسوش هوا پیمایان آواکس به عربستان سعودی و نزدیکی آمریکا به آن کشور تغییر جبهه نموده‌ای در سیاست خارجی آمریکا احساس کرد. آنچه که در این جریسان حقیقت دارد آنست که برای امپریالیسم آ آمریکا مسئله حیا تدافع از اسرائیل بخاطر حمایت حرف آران کشور نمیباشد، بلکه مسئله اصلی مبارزه با روسیه برای کنترلی انحصاری بر جهان و آران با لاترمبارزه با انقلاب مسئله اساسی

این تظاهرات ناگهانی "تولد دوباره" مذهب در جهان علائم انحطاط این جهان سرما یه داری امپریالیسی به مرحله مبارزه تمی است که ما را در مورد بقای تمدن انسانی با آن صورتی که میشناسیم هر دو میسازد. در سال ۱۹۲۹ در خاور میانه انقلاب (که نقش زنان آرا در دخاوه جز مهمی آنرا تشکیل میداد) سرنوشت سا زبود، دول امپریالیستی نه فقط در ایران بلکه در شاه نشین های عربی هم تکان سختی خوردند خصوصاً وقتی که مکه اشغال شده از آنجائی که شیعیان در زمره مستضعفین و فقرا، توده‌ها بودند، مذهب توسط گروههای چپ به اشتباه ساده تلقی شد.

تکوئی که مذهب جریا نیست که بخودی خود در طی جنبش انقلابی میتوان بر آن غلبه کرد.

اما برعکس مذهب در ارتجاعی ترین و عقب افتاده ترین حالت خود با ما میسر رهبری که قدرت را مملکت قبضه کرد دست به ویران کردن انقلاب زد و بجای یک درجه امید برای خاور میانه به بازیچه ای دیگری در رقابت روسیه و آمریکا بر سر حکومت مطلق در جهان درآید.

بدون شک بزرگترین دشمن در خانه است، همیشه در خانه است. با این دلیل است که مبارزه طبقاتی تا بدین حد سرنوشته سا است چنان تشدید آن منجر به انقلاب خواهد شد. این درست

واقعی آن است که بدست خودکار گران انجام شود." از تمام فعالین اتحادیه ها خواسته اند که شروع تشکیل کمیته‌های همبستگی ناحیه‌ای نمایند و مسائل را به معرض بحث بگذارند. "ظهور فرم‌های مبارزاتی جدید که امسال شاهد آن بوده ایم در حقیقت سالها که ادامه دارد. در طول سال ۱۳۵۹ نیز مناطقی در ماغ شرقی شاهد غنیمت ترین تظاهرات دانش آموزان و بایکوت مدارس توسط آنان بوده است. این جنبشها دست به مبارزه با رژیمهای فاشیستی زده اند که با کمک آمریکا و اسرائیل، بزودی ممکن است تبدیل به یک قدرت اتمی شود. روسیه سرمایه‌داری جهان نیست، نفوقا شیم که نمونه آنرا در آمریکا لاتین هم میبینیم در مورد آفریقای جنوبی از همه جا بیشتر صدق میکند.

در عرض چند ماه گذشته مرحله جدیدی از مبارزه در آفریقای جنوبی و همچنین در چین و با زداشتهای مخالفین آغاز شده. آخرین وقایع شامل تظاهرات و جرمه وجود گذاشتن یک سازمان "تریدیونون" توده‌ای در یکی زبنا در آفتاباوس هند از یکسوز و سوزنی شدیدی مبارزات چریکی و بمب گذاری داخلی میباشند.

هفته گذشته بیش از ده هزار نفر در مراسم دفن یکی از سفیدپوستان عضو اتحادیه کارگران متفق آفریقای جنوبی که در زندان بقتل رسیده شرکت کردند. یکی از سخنرانان میگفت:

"جنبش ما جنبشی جبهه نیست، متفقین ما کارگران هستند. ما نباید از دولت دیگران انتظار داشته باشیم تا با ما مبارزه اقتصادی خود ما را انجام دهند. تنها ما مراد اقتصادی

فنا تیس مذهبیه به تنگ آمده‌اند در حال مهاجرت از اسرائیل هستند.

بی شک بگین در فرسوش هوا پیمایان آواکس به عربستان سعودی و نزدیکی آمریکا به آن کشور تغییر جبهه نموده‌ای در سیاست خارجی آمریکا احساس کرد. آنچه که در این جریسان حقیقت دارد آنست که برای امپریالیسم آ آمریکا مسئله حیا تدافع از اسرائیل بخاطر حمایت حرف آران کشور نمیباشد، بلکه مسئله اصلی مبارزه با روسیه برای کنترلی انحصاری بر جهان و آران با لاترمبارزه با انقلاب مسئله اساسی

این تظاهرات ناگهانی "تولد دوباره" مذهب در جهان علائم انحطاط این جهان سرما یه داری امپریالیسی به مرحله مبارزه تمی است که ما را در مورد بقای تمدن انسانی با آن صورتی که میشناسیم هر دو میسازد. در سال ۱۹۲۹ در خاور میانه انقلاب (که نقش زنان آرا در دخاوه جز مهمی آنرا تشکیل میداد) سرنوشت سا زبود، دول امپریالیستی نه فقط در ایران بلکه در شاه نشین های عربی هم تکان سختی خوردند خصوصاً وقتی که مکه اشغال شده از آنجائی که شیعیان در زمره مستضعفین و فقرا، توده‌ها بودند، مذهب توسط گروههای چپ به اشتباه ساده تلقی شد.

تکوئی که مذهب جریا نیست که بخودی خود در طی جنبش انقلابی میتوان بر آن غلبه کرد.

اما برعکس مذهب در ارتجاعی ترین و عقب افتاده ترین حالت خود با ما میسر رهبری که قدرت را مملکت قبضه کرد دست به ویران کردن انقلاب زد و بجای یک درجه امید برای خاور میانه به بازیچه ای دیگری در رقابت روسیه و آمریکا بر سر حکومت مطلق در جهان درآید.

بدون شک بزرگترین دشمن در خانه است، همیشه در خانه است. با این دلیل است که مبارزه طبقاتی تا بدین حد سرنوشته سا است چنان تشدید آن منجر به انقلاب خواهد شد. این درست

واقعی آن است که بدست خودکار گران انجام شود." از تمام فعالین اتحادیه ها خواسته اند که شروع تشکیل کمیته‌های همبستگی ناحیه‌ای نمایند و مسائل را به معرض بحث بگذارند. "ظهور فرم‌های مبارزاتی جدید که امسال شاهد آن بوده ایم در حقیقت سالها که ادامه دارد. در طول سال ۱۳۵۹ نیز مناطقی در ماغ شرقی شاهد غنیمت ترین تظاهرات دانش آموزان و بایکوت مدارس توسط آنان بوده است. این جنبشها دست به مبارزه با رژیمهای فاشیستی زده اند که با کمک آمریکا و اسرائیل، بزودی ممکن است تبدیل به یک قدرت اتمی شود. روسیه سرمایه‌داری جهان نیست، نفوقا شیم که نمونه آنرا در آمریکا لاتین هم میبینیم در مورد آفریقای جنوبی از همه جا بیشتر صدق میکند.

در عرض چند ماه گذشته مرحله جدیدی از مبارزه در آفریقای جنوبی و همچنین در چین و با زداشتهای مخالفین آغاز شده. آخرین وقایع شامل تظاهرات و جرمه وجود گذاشتن یک سازمان "تریدیونون" توده‌ای در یکی زبنا در آفتاباوس هند از یکسوز و سوزنی شدیدی مبارزات چریکی و بمب گذاری داخلی میباشند.

هفته گذشته بیش از ده هزار نفر در مراسم دفن یکی از سفیدپوستان عضو اتحادیه کارگران متفق آفریقای جنوبی که در زندان بقتل رسیده شرکت کردند. یکی از سخنرانان میگفت:

"جنبش ما جنبشی جبهه نیست، متفقین ما کارگران هستند. ما نباید از دولت دیگران انتظار داشته باشیم تا با ما مبارزه اقتصادی خود ما را انجام دهند. تنها ما مراد اقتصادی

فنا تیس مذهبیه به تنگ آمده‌اند در حال مهاجرت از اسرائیل هستند.

بی شک بگین در فرسوش هوا پیمایان آواکس به عربستان سعودی و نزدیکی آمریکا به آن کشور تغییر جبهه نموده‌ای در سیاست خارجی آمریکا احساس کرد. آنچه که در این جریسان حقیقت دارد آنست که برای امپریالیسم آ آمریکا مسئله حیا تدافع از اسرائیل بخاطر حمایت حرف آران کشور نمیباشد، بلکه مسئله اصلی مبارزه با روسیه برای کنترلی انحصاری بر جهان و آران با لاترمبارزه با انقلاب مسئله اساسی

این تظاهرات ناگهانی "تولد دوباره" مذهب در جهان علائم انحطاط این جهان سرما یه داری امپریالیسی به مرحله مبارزه تمی است که ما را در مورد بقای تمدن انسانی با آن صورتی که میشناسیم هر دو میسازد. در سال ۱۹۲۹ در خاور میانه انقلاب (که نقش زنان آرا در دخاوه جز مهمی آنرا تشکیل میداد) سرنوشت سا زبود، دول امپریالیستی نه فقط در ایران بلکه در شاه نشین های عربی هم تکان سختی خوردند خصوصاً وقتی که مکه اشغال شده از آنجائی که شیعیان در زمره مستضعفین و فقرا، توده‌ها بودند، مذهب توسط گروههای چپ به اشتباه ساده تلقی شد.

تکوئی که مذهب جریا نیست که بخودی خود در طی جنبش انقلابی میتوان بر آن غلبه کرد.

اما برعکس مذهب در ارتجاعی ترین و عقب افتاده ترین حالت خود با ما میسر رهبری که قدرت را مملکت قبضه کرد دست به ویران کردن انقلاب زد و بجای یک درجه امید برای خاور میانه به بازیچه ای دیگری در رقابت روسیه و آمریکا بر سر حکومت مطلق در جهان درآید.

بدون شک بزرگترین دشمن در خانه است، همیشه در خانه است. با این دلیل است که مبارزه طبقاتی تا بدین حد سرنوشته سا است چنان تشدید آن منجر به انقلاب خواهد شد. این درست

واقعی آن است که بدست خودکار گران انجام شود." از تمام فعالین اتحادیه ها خواسته اند که شروع تشکیل کمیته‌های همبستگی ناحیه‌ای نمایند و مسائل را به معرض بحث بگذارند. "ظهور فرم‌های مبارزاتی جدید که امسال شاهد آن بوده ایم در حقیقت سالها که ادامه دارد. در طول سال ۱۳۵۹ نیز مناطقی در ماغ شرقی شاهد غنیمت ترین تظاهرات دانش آموزان و بایکوت مدارس توسط آنان بوده است. این جنبشها دست به مبارزه با رژیمهای فاشیستی زده اند که با کمک آمریکا و اسرائیل، بزودی ممکن است تبدیل به یک قدرت اتمی شود. روسیه سرمایه‌داری جهان نیست، نفوقا شیم که نمونه آنرا در آمریکا لاتین هم میبینیم در مورد آفریقای جنوبی از همه جا بیشتر صدق میکند.

در عرض چند ماه گذشته مرحله جدیدی از مبارزه در آفریقای جنوبی و همچنین در چین و با زداشتهای مخالفین آغاز شده. آخرین وقایع شامل تظاهرات و جرمه وجود گذاشتن یک سازمان "تریدیونون" توده‌ای در یکی زبنا در آفتاباوس هند از یکسوز و سوزنی شدیدی مبارزات چریکی و بمب گذاری داخلی میباشند.

هفته گذشته بیش از ده هزار نفر در مراسم دفن یکی از سفیدپوستان عضو اتحادیه کارگران متفق آفریقای جنوبی که در زندان بقتل رسیده شرکت کردند. یکی از سخنرانان میگفت:

"جنبش ما جنبشی جبهه نیست، متفقین ما کارگران هستند. ما نباید از دولت دیگران انتظار داشته باشیم تا با ما مبارزه اقتصادی خود ما را انجام دهند. تنها ما مراد اقتصادی